

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر

با فعالیت‌های سندیکایی زحمه‌تکشان
جهان آشنا شویم (صفحه ۲)
قانون اساسی تازه افغانستان صفة ۶
(قسمت دوم)

گشایش مجلس

هفته گذشته، با پیام رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی، و خطاب به آقای رئیس‌جمهور، نخستین مجلس شورای پس از انقلاب رسماً گشایش یافت. نمایندگان قسماً در کنگره رسیدگی به اعتبارنامه‌ها، انتخاب هیئت رئیسه و تعیین اعضای کمیسیونهای مجلس در روزهای آینده پایان خواهد گرفت. نخست وزیر و هیئت دولت معرفی خواهند شد. نهاد های حکومت قانونی در جمهوری اسلامی ایران، ساخته و پرداخته، آماده کار خواهند بود. زندگی نوین جامعه ایران در مجرای که قانون اساسی و مجموعه شرایط و خواستهها و ضرورت های انقلاب رسم کرد مانند به جریان خواهد افتاد. با این همه، تصور آن که همه چیز خود بخود در روند پیش بینی شده به آرامی خواهد گذشت بی پایه است. مسائل بس دشواری در برابر ما قرار دارد که از طبیعت خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب ایران و از چگونگی تناسب نیروها در جامعه سرچشمه میگردد. آن تلقی ذهنی هم که بر اثر ترکیب یکسویه و انحصار طلبانه قدرت متأسفانه بر کل سیاست ایران حاکم است باز بر پیچیدگی و دشواری مسائل میافزاید. از این رو، دور نیست که بارها و بارها - حتی از روی کمال حسن نیت - قدم به اشتباه برداشته شود و حوادث و وقایع بارها و بارها نادستی پیشد آوریها و پرواها و ضرورت بازنگری و تصحیح اقدامات را در گوشه افرازد بکشد. اما اگر خود بینی و لجاجت در کار نباشد، اگر خود خواهی و سود جوئی و جاه طلبی فردی یا گروهی چشمها را بر مصالح بنیادی اکثریت نبندد، جای نگرانی چندانی نیست. عهد آن است که هر بار خط در دست در سیاست کشور باز یافته شود و کشور در چنان راستائی پیش برود و این بر عهد مجلس است که مراقب باشد.

ویژگی خط در دست در سیاست کشور چیست؟ - یکی آن که خواسته های بنیادی اکثریت به صراحت در بیان آید و نیروی بقیه در صفحه ۸

زندگی کودکان فلسطینی

در سرزمینهای تحت اشغال اسرائیل

دنیای کودکان فلسطینی دنیای خوابهای شیرین نیست. کودکان فلسطینی در کانون زندگی پرمحنت و آوارمیت ستندید. خود چشم به جهان میگشایند و طعم تلخ زندگی پر از درد و رنج را از همان اوان کودکی در آوارگی و سرزمینهای اشغال شده میچشند.

حرکت گوشخراش تانکهای اسرائیلی در خیابانها و پرواز هواپیماهای شکاری در آسمان، بمباران وحشیانه اردوگاه های آوارگان از جمله مناظر وحشتناکی است که کودکان فلسطینی همه روزه با آن روبروست.

این صحنه های لرزاننده در نقاشی های کودکان فلسطینی بازتاب تکان دهنده ای یافته است. میله های زندان و زنان گریان، بچه های برهنه، خانه های ویران، درختان فرو شکسته تانکها و باتونهای اسرائیلی با رنگهای تیره در نقاشی کودکان دیده میشود.

در خیابان اسرائیلی برای نابود کردن مفهوم خلقت فلسطین در ذهن کودکان از هیچ جنایتی فروگذار نمیکند. آنها صد ها کودک فلسطینی را در جریان یورشهای بیرحمانه خود به اردوگاهها نابود میکنند. ریاب الزانوس، دهساله، عمر حسین آفته یازده ساله عبد الله مصطفی حوش و دوازده ساله بصیر الصلحات پانزده ساله و ۱۰۰۰ نمونه هائی هستند که با سیبعت به دست سربازان و ما موران امنیتی اسرائیلی بقیه در صفحه ۲

محمود درویش

به کودکان فلسطینی

از تو اسب چوبی اترا گرفتند
باکی نیست
ستاره بدست تو است
هر روزم
ای گل آشفته ای، تنم سر بجهت
زایش آینه را در حستان بومی نگرم
مادورس ترا از آن غولانیم که از کودک پشمی بدیده می آید
با سرود خوانان بگو
از تو خدای من
باز سبک نمی خواهم
سایه های پر توام ده
دردی از تو نبودند و نند بادها از آن نوشتند
رخمی گشودند و صحنه دست دادند
خانه های ویران کردند تا تو ملنی سازی
همین خوب است... بسار خوب
مادورس ترا از آن غولانیم که از کودک پشمی بدیده می آید
با سرود خوانان بگو
از تو خدای من
باز سبک نمی خواهم
سایه های پر توام ده

از منظومه پایان شب - ۱۹۶۷

سرنوشت غم انگیز کودکان در اردوگاه سرمایه داری

اول ژوئن هر سال یعنی ۱ خرداد روز جهانی کودکان شناخته شده است. ۳۰ سال پیش (۱۳۲۹ = ۱۹۵۰) فدراسیون بین المللی زنان و اتحادیه جهانی جوانان در مکررات روز اول ژوئن را روز جهانی کودکان اعلام داشتند. هدف از برگزاری این روز سیج همه نیروهای ترقیخواه جهان برای دفاع از حقوق کودکان و با مال دفاع از صلح، آزادی، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و آینده روشن بشریت است. از این رو، همه ساله در این روز کارهایی که برای کودکان در زمینه های زیستی، پرورشی و اجتماعی آنان انجام یافته و نیز برنامه هائی که برای بهبود هر چه بیشتر زندگی، رفاه و سعادت مادی و معنوی آنان در پیوسته است، مورد ارزیابی قرار میگیرد. از آنجا که سرنوشت کودکان بنا بر ماهیت سیستم های اجتماعی تعیین میگردد و روند واحدی در برنامه ریزی بهبود زندگی و شرایط پرورش آنان وجود ندارد. کودکان بقیه در صفحه ۵

کودکان ایران و آینده آنان

آنچه امروز بنام مسئله کودکان در ایران وجود دارد، میراث سنگین رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن است که با انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به اراده توانای خلقهای ستندیده ما فروریخت. رژیم منحط محمد رضا شاهی برای ایران ساختن ایران و عقب نگذاشتن آن از غافلانه تمدن و پیشرفت اجتماعی هر چه بیشتر از بودجه فرهنگی و رفاهی توده های زحمتکش مردم کاست و آن را در ریست در اختیار سیاست نظامی و ایران فروشانه قرار داد تا بتواند سلطه جا برانه اربابان امپریالیست خود را در کشور ما پاید ارتکب کند. به همین علت اعتبار آموزش و پرورش ۱۵ بار کمتر از اعتبارات مربوط به خرید جنگ افزارهای کشورهای امپریالیستی بوده است. در رژیم منقر محمد رضا کودکان بیش از همه تحت ستم بودند از ۴۵٪ جمعیت ایران یعنی ۶۲۳۵۰۰۰ که زیر ۱۵ سال دارند، اکثرشان در شرایط بسیار نامساعد زندگی میکنند. از ۱۷ میلیون کودک و نوجوان مستعد برای تحصیل تنها ۹ میلیون نفر به مدارس راه یافتند. نبودن مدرسه و کلاس به اندازه کافی سبب شده است که کودکان مادران ابتدائی نیمه وقت به مدرسه بروند. سیستم طبقاتی تعلیم و تربیت رژیم گذشته آثار خود را بطور وحشتناک در مدارس باقی گذاشته است. در مدارس فقیرنشین و پائین شهرها که دارای تراکم جمعیت است هر کلاس بیش از ۹۰ و حتی ۱۳۰ دانش آموز دارد. بدیهی است در چنین کلاسهای نه معلم قادر به درس دادن است و نه شاگرد امکان آموختن دارد. بقیه در صفحه ۴

اعلامیه حقوق روانی کودکان

اعلامیه حقوق روانی کودکان که در سومین گرد همایی مکتب بین المللی روانشناسی در ریورک (انگلستان) به تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹، سال بین المللی کودک، به تصویب رسیده است. کودک از حیث نیاز به محبت و فارغ بودن از ترس، رشد جسمی و فکری و اجتماعی، تربیت و بازی، دارای حقوقی است به شرح زیر:

- حق آن که دوستش بدارند و مهربانی کنند و تفاهم داشته باشند.
- حق آن که موجدی برای ترس از آزار یا تجاوز روحی و جسمی نداشته باشد.
- حق آن که او را در حمایت خود بگیرند و در کارش یا در میانی کنند.
- حق آن که دارای هویت شخصی و استقلال باشد و آن را آزادانه برآورد کند.
- حق آن که برای رشد فکری و اخلاقی از فرصت های مناسب برخوردار باشد.
- حق آن که بتواند آشنائی های شخصی داشته باشد و مسئولانه به عضویت جمع درآید.
- حق آن که از آموزش رسمی و غیر رسمی و هرگونه تسهیلات ویژه لازم بهره مند شود.
- حق آن که از امکانات کامل برای بازی و تفریح و هوسکاری برخوردار باشد.
- حق آن که به رشد هر چه مناسب تر جسمی و روحی نایل و به کوشش در چنین راستائی تشویق شود.



دروس دهم قدرت چیست؟

کلماتی هست که باب روز می شود . کلمه "قدرت" در شمار این نوع کلمات قرار دارد . این مفهوم امروز به شکل های مختلف به کار می رود . مثلاً می گویند قدرت کارگر ، قدرت سندیکائی ، قدرت دانشجو ، قدرت دهقان ، قدرت فرهنگی قدرت تخیل و نیز توده های دیگر که چندان اهمیت ندارند . بطور کلی باید گفت ، قدرتی که به اجزاء مختلف تقسیم می شود ، هواخواهی ندارد و یک چیز جدی نیست .

قدرت حقیقی قبل از هر چیز قدرت دولت یعنی مدیریت دستگاه سیاسی ، اداری ، سرکوبگر ، ایدئولوژیک - و اکنون علاوه بر آن دستگاه اقتصادی و مالی ویژه دولت جدید سرمایه داری - است که کشور را در بر می گیرد و فرمانروائی بر آن را ممکن می سازد .

قدرت دولت وسیله موثری برای برقراری و حفظ نظم معین اجتماعی است .

در تاریخ بشریت ، قدرت در پی تقسیم جامعه به طبقاتی که دارای منافع متضاد بودند ، پدیدار شد و به مثابه ابزار حاکمیت در دست طبقات مالک و استثمارگر قرار گرفت و به آنها امکان داد فرمانروائی خود را تأمین نمایند و به وسیله آن این فرمانروائی را دوام و استحکام بخشند .

بنابراین ، قدرت دولت به نظم سیاسی مربوط می شود ، اما مبتنی بر قدرت اقتصادی است . طبقه ای که از حیث اقتصاد - دی فرمانرواست ، فرمانروائی سیاسی هم با اوست .

در هر جامعه ، عمل اساسی دولت حفظ نظم موجود اجتماعی است . دولت سرمایه داری در شکل و اسلوب های خود با جامعه سرمایه داری مطابقت دارد و هدف آن - جاویدان کردن فرمانروائی کارفرمایان است .

بقیه:

زندگی کودکان فلسطینی

پاره پاره شدند . گرگان درنده اسرائیلی با این وحشیگریها میخواهند خاطره فلسطینی بودن را از ذهن کودکان پاک کنند . هم اکنون برای عبرت نسل جوان فلسطین صد ها کودک برای تعام عمر دست ، چشم ، پا و سایر اعضای خود را از دست داد هاند و در پیش چشم همسالان خود با زجر و شکنجه زندگی میکنند .

سربازان بیرحم اسرائیلی جنایات خود را اینگونه توصیف میکنند : " بچه ها مثل مگسهای سم خورده از بالا جلوی پای ما می افتادند . سن شان بین هشت تا ده سال بود . همگی بعد از پرش با پا های شکسته روی زمین نقش میشدند " .

در مناطق اشغالی هر روزه بطور متوسط بیست کودک دستگیر ، زندانی و شکنجه میشوند . دادگاههای اسرائیلی بر خلاف قوانین مورد عملشان تاکنون حدود ۳۰۰۰ کودک فلسطینی را که هنوز به سن قانونی نرسیده اند به جرم شرکت در تظاهرات ، نوشتن شعار به دیوار ، حمل پرچم فلسطین ، پرتاب سنگ به سربازان اشغالگر محاکمه و به زندانهای طولانی مدت محکوم کرده اند .

خانم ف. لائوه وکیل دعاوی اسرائیلی مینویسد : " من در دادگاه نظامی هیبرون (الخلیل) چندین کودک فلسطینی را دیدم که صورتشان از ضربه های پلیس اسرائیل مجروح شده بود " . " در دادگاه بیت المقدس من از چندین دختر سیزده چهارده ساله اهل کالاندا (نزدیک بیت المقدس) دفاع کردم که طبق ادعای نامهم دادستان قرار بود به جرم اخلاص در امنیت اسرائیل زندانی شوند . خانم لائوه ادامه میدهد : " زندانهای اسرائیل پر از کودکان فلسطینی است . این بچه ها را به شدیدترین وضعی مضرور میکنند . حتی بین راه هنگام انتقال از زندانی به زندان دیگر کتکشان میزنند . ما موران اسرائیلی به تازگی شیوه جدیدی برای انصراف کودکان از شرکت در تظاهرات و جنبش اعتراضی

و نیز هنگامیکه سرمایه داران ضعیف به اعتراض برمیخیزند به هیچ وجه منظورشان انکار نقش واقعی دولت نیست ، بلکه آنان از دولت می خواهند که آنها را قربانی مطامع نیرومند ترها تسازد و به آنها بیشتر خدمت کند و سفره شان را رنگین تر سازد .

البته ، نقش فزاینده دولت را به هیچ وجه نمی توان انکار کرد ، زیرا این امر محصول ناگزیر پدید آمده های اجتماعی و اقتصادی است که همه به آن آگاهی دارند .

انحصارات سرمایه داری بدون توسل به دولت قادر نیستند جوابگوی نیازهای رشد اقتصاد عصر ما و احتیاجات دگرگونی های حاصله از پیشرفت های علمی و فنی باشند .

انحصارات برای گرد آوردن سرمایه های کلان مورد احتیاج و نیز برای این که سیاست و هدفهای استثمارگرانه خود را به منظور کسب سود بیشتر به طبقه کارگر و اکثریت عظیم توده مردم تحمیل نمایند ، به دولت نیاز دارند .

به این دلیل است که همزمان با فزونی نقش دولت ، نظارت انحصارات بر بخش های اساسی مکانیسم وی تأمین می گردد و تأثیر سیاست سلطه گرانه وی شدید تر و همگام تر می شود .

آنچه در سرمایه داری و دولت معاصر تازه است ترکیب بیش از پیش شدید منابع انحصارات با منابع دولت برای تأثیر نهادن در همه قلمروهای اقتصادی ، مالی ، اداری و سیاسی است .

و از این رو آن را سرمایه داری انحصارگر دولتی می نامند

جلوه کنونی سیاسی چنین دولتی در وطن ما (فرانسه)

قدرت شخصی است که به لگد کوب کردن دموکراسی می انجامد و وسایل مقاومت در برابر جنبش رو به اوج توده های را در اختیار قدرتمندترین مخالف بورژوازی قرار می دهد . این سودمندترین شکل اعمال قدرت برای انحصارات بسیار بزرگ است . ظاهراً چنین به نظر می رسد که برای تصمیم گیری ها به بحث و مشورت می پردازند . اما در باطن همانطور که انتظار می رود ، تصمیم گرفته می شود . و چون این تصمیم گیری ها بخاطر آنهاست ، از این رو مشارکت مستقیم نمایندگان این انحصارات کار را آسان تر می سازد .

البته ، این قدرت آسیب پذیر است ، زیرا ضعف آن در این است که باید به نفع اقلیتی که همواره محدود ترمی شود ، عمل کند و با منافع اراده توده بسیار عظیمی به مقابله برخیزد . و این امر پیروزی بر چنین قدرتی را امکان پذیر می سازد .

بقیه در صفحه ۸

بنابراین قدرت سیاسی ابزار مهم حاکمیت طبقاتی است از این رو ، طبقات بالنده ای که با جامعه های کهنه دوران خود درگیر بودند ، برای در هم شکستن فرمانروایی طبقات رهبری پیشین قبل از هر چیزی می بایست قدرت سیاسی را به دست گیرند ، آنگاه بر اقتصاد مسلط شوند و در پرتو آن نظم جدید اجتماعی را برقرار نمایند . سراسر تاریخ انقلابات اجتماعی این واقعیت را ثابت می کند .

بورژوازی در فرانسه همین راه را پیموده است . نتیجه انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه که در زمان خود مترقی بود ، جز این معنای دیگری نداشته است .

طبقه کارگر به عنوان طبقه بالنده دوران جدید برای تغییر واقعی جامعه فرسوده باید به شیوه خود عمل کند . هنگامی که از دولت سرمایه داری امروز صحبت می شود ، بی بردن به نشانه ها و نمود های واقعی آن ضرورت می یابد

بورژوازی دولت را به چنان درجه ای از کمال و اثربخشی رسانیده است که با دولت های پیش از خود قابل مقایسه نیست نخستین دلیل تکامل دولت توسط بورژوازی این بود که طبقه بسیار قلیل سرمایه دار برای تحمیل فرمانروائی خود بر اکثریت مردم و بخصوص طبقه کارگر نیرومند و پیکار جویه دستگامی احتیاج داشت که بتواند برای پیشبرد منافع سرمایه داران و شرکت فعال در نبردهای سرکوبگرانه قدرت لازم را در اختیار داشته باشد .

دومین دلیل تکامل دولت رشد غول آسای اقتصاد است نیازهای روزافزون رشد اقتصادی ایجاب می نماید که دولت بطور مستقیم و در مقیاس وسیع در این کار دخالت کند .

اگر اظهارات ظاهری کارفرمایان را باور کنیم ، می بینیم که آنها دولت را چیز ناستوده و منفوری وانمود می سازند ، اما بررسی موضوع از نزدیک حقیقت دیگری را عریان می سازد . دولت سرمایه داری نماینده منافع جمعی طبقه سرمایه دار است . البته آنجا که مسئله تدوین نظام سرمایه داری عیبها کارگران مطرح است ، این منافع واقعاً جمعی و در یک جهت سیر می کند ، اما آنجا که جای گرم و نرم برای هر یک از سرمایه داران در جنگل انبوه این نظام مطرح می شود ، منافع آنها رو در روی هم قرار می گیرد .

دولت سرمایه داری معاصر نماینده منافع نیرومندترین گروهها و نیروهای عمده طبقه سرمایه دار است و فقط به نفع آنان عمل می کند .

هنگامیکه این نیروها لب به اعتراض می کشانند منظور مخالفت با دخالت دولت نیست بلکه کسب سود بیشتر بوسیله آن است .

پیدا کرد هاند . آنها بچه ها را در نقطه ای جمع میکنند و یکباره بر سرشان میریزند و وحشیانه کتک میزنند . یا با انداختن مار به سمت شان آنها را به وحشت می اندازند و یاد زنیهای شب به منازل آنها میروند و کودکان بیگناه را توقیف میکنند .

شکنجه به شکل واقعی اش پس از یازدهم آوریل ۱۹۴۸ شروع میشود . اسرائیلی ها با بچه ها مانند خطرناکترین جنایتکاران رفتار میکنند و آنها را تحت خشونت بارترین و تحقیرکننده ترین شکنجه ها قرار میدهند . در خیما ن اسرائیلی برای شکنجه کودکان موی سر آنان را به دست گرفته وید نشان را بر روی زمین میکشند یا هنگام بازجویی گلویشان را تا حد خفگی فشار میدهند و سگهای تربیت شده را به جان نشان می اندازند . دخترها را تهدید به تجاوز و پسرها را تهدید به تجاوز و به ماد روخواهرانشان میکنند .

کودکان معصوم فلسطینی در کنار جنایتکاران ، در زندان و هزرگان در یک سلول زندانی میشوند . روزنامه الفجر در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۸ نوشت که در تفرزاین جنایتکاران به طرز فجیعی به یک کودک فلسطینی هم سلول خود تجاوز کردند . جرم کودک فلسطینی شرکت در تظاهرات بر ضد اشغالگران اسرائیلی بود و یکی از آن دو جنایتکار متجاوز قبلاً کودکی را کشته بود .

طبق گزارش هیئت بازید کنند ه دفتر بین المللی کوار از کرانه غربی رود اردن از بیست هزار کارگر فلسطینی که بطور غیرمجاز در اسرائیل کار میکنند ، ۴۰۰۰ کودک خرد سال هستند .

وسائل ارتباط جمعی اسرائیل از استثمار شدید کودکان به عنوان " برد هاری کودکان " نام میبرند .

کودکان فلسطینی در برابر ۱۴ ساعت کار طاقت فرسای روزانه بین ۳۰ - ۸۰ لیره اسرائیلی مزد دریافت میدارند . یک دلار آمریکائی برابر ۴۴ لیره اسرائیلی است . یک کارگر بزرگسال حدود ۴۰۰ لیره در روز مزد میبرد . به همین علت اشغالگران اسرائیلی ترجیح میدهند که از کودکان فلسطینی برای استثمار هر چه بیشتر استفاده کنند .

کارفرمایان اسرائیلی کودکان فلسطینی را مورد ضرب و جرح قرار میدهند . بتازگی خبری در یکی از روزنامه های اسرائیلی چاپ شد مبنی بر اینکه یک پسر جوان اهل غزه بنام

سلیم عبد الرحمن حمد بدست کارفرمایان یک مبله آهنی مضرور و مجروح شد . گناه این کارگر جوان این بود که از کارفرما - یش تقاضای اضافه دستمزد نمود . بود عبد الرحمن حمد بر اثر این ضربات دچار خونریزی مغزی شد و بد رو حیات گفت .

شرایط فاجعه آمیز کار روزندگی کودکان فلسطینی ، هیئت مورد فتر بین المللی کار را وادار کرد که در گزارشی به شصت و پنجمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار تقاضا کند که اسرائیل از بکارگماردن کودکان فلسطینی خود داری نماید . این هیئت پیشنهاد نمود که دفتر بین المللی کار به خانواده های مستعد فلسطینی کمک هزینه بپردازد تا آنها بدون دستمزد کار بچه ها زندگی شان را در مناطق اشغالی تأمین نمایند .

کودکان فلسطینی علاوه بر این مصیبت ها ناچارند انواع شکنجه ها و کشتار و آلدینشان ، گرسنگی ، محرومیت از تحصیل و غذای کافی ، نبودن درمان و بهداشت را تحمل نمایند .

کودکان فلسطینی قربانیان بیگناه اشغالگران اسرائیلی شده اند . کودک فلسطینی همه این مصیبت ها را در دوره ای از زندگی متحمل میشود که برخورداری از امنیت و محبت و مراقبت های ویژه حق طبیعی هر طفلی است .

این زندگی محنت بار و پرخطر کودکان فلسطینی همه جهانیان را که از وجدان پاک و پرمسئولیت بشری برخوردارند ، به یاری فرامیخواند . تنها اتحاد عمل همه نیروهای ترقیخواه در سراسر جهان قادر است به رنجهای کودکان فلسطینی پایان دهد .

کوتاه شده مقاله شورای جهانی صلح ، به مناسبت روز جهانی کودکان که از جانب جمعیت ایرانی هواداران صلح تماماً ترجمه و به " اتحاد مردم " فرستاده شده است .



تحولات اجتماعی در جامعه روستائی ایران از آغاز تا کنون (۴)

جامعه روستائی در عهد پیدایش نخستین دولت های محلی ایران

هوشنگ پورکریم



که قبلاً اندکی از آن صحبت شده است - آغاز شده بود - هرچند که بقایای این نظام تا مدت ها بعد هم دام آورده باشد - در واقع، قبل از آنکه دلت های شناخته شده منسوب به قبایل "ماد" و "پارس"، اولی بین ۷۰۸ تا ۵۵۰ و دومی بین ۴۶ تا ۳۰ قبل از میلاد، در بخش اعظم ایران حکمروائی پیدا کنند، دولت های کوچک محلی و د رمتون تاریخی غالباً گننام در مناطق عمده ای از نیمه غربی ایران به وجود آمده بودند - چنین دلت هایی، طی هزاره سوم و قبل از میلاد، هر یک مبتنی بر اتحاد اعیان و رؤسای چند قبیله همجوار تاسیس شده بودند که یک نفر ازین اعیان در مقام فرماندهی به منزله شاه در رأس دولت قرار می گرفت - ولی در نیمه شرقی ایران، به علت آنکه قبائل دیرتر به کشاورزی و به نشینی روی آورده بودند، تکوین دولت در مقایسه با مناطق غربی ایران، به تأخیر افتاده بود - در عین حال، برای نیمه غربی ایران عامل همجواری با تمدن های که در مرحله پیشرفته ای قرار داشتند و خصوصاً تمدن بین النهرین، علت دیگری در تسریع پیدایش دولت بود -

به هر صورت، از هزاره سوم قبل از میلاد، به علت رشد نیروی های مولده و پیشرفت تقسیم اجتماعی کار در رشته های زراعت و دام پروری و صنایع دستی، و نیز به عللی که بعد از آن صاحب خواهد شد، نخستین دولت های کوچک محلی در ایران بوجو آمدند - در این میان، دولت های منسوب به قبائل "ایلامی" که در سرزمین های زراعی حوالی "کارون" و "کرخه" ایجاد شدند، از مهمترین و در عین حال قدیمترین آنها محسوب می شوند - یکی از همین دولت های ایلامی، حتی در ربع اول هزاره سوم قبل از میلاد، نیروی مقتدری تشکیل داد که گذشته از حکومت بردشت خوزستان و کوه های مشرف به آن در بخش عمده ای از سواحل خلیج فارس هم نفوذ داشت - در "سیلک" (نزدیک کاشان)، یعنی محل یکی از قدیمترین جوامع روستائی ایران، آثار ریاست آمد هاست که نشان میدهد فتوحات دولت ایلامی در همان زمان به داخل نجد ایران هم کشیده شده بود - در بین این آثار، الواحی ساخته شده از خاک رس به دست آمده که بانوعی خط نیمه تصویری و منسوب به تمدن ایلامی حکاکی شده اند (شکل شماره یک)، "گیرشمن" درباره این الواح می نویسد:

"خط نیمه تصویری آنها معرف پیشرفتی است در نخستین خط تمام تصویری دانشمندان اعداد و جمع آنها را توانسته اند تشخیص دهند، و این خود موجب شده که آنها را اسناد شغلی از قبیل صورت حساب یا قبض رسید محسوب دارند" (۳)



شکل یک - خطوط نیمه تصویری ایلامی بر الواح مکشوفه از "سیلک".
اقتباس از کتاب "ایران از آغاز تا اسلام"، صفحه ۳۶

بعد از ایلام، در نیمه دوم هزاره سوم قبل از میلاد، بین قبائل "لولوبی" هم دولت هایی ایجاد شد - در آن وقت، "لولوبی" هادر سرزمین های واقع در نواحی همجوار استانهای کنونی لرستان، کرمانشاهان، زنجان و همدان بسر می برد - دند - از دولت های "لولوبی"، بر صخره های "سرپل ذهاب"، دو نقش برجسته حک شده است که وجود جنگ - هائی را به منظور گرفتن اسیر و برده اثبات می کند - یکی از این دو نقش (شکل شماره دو)، که "گیرشمن" آن را به هزاره سوم قبل از میلاد و "م.ا.دیاکونف" با وضوح بیشتری به قرن بیست و دوم پیش از میلاد نسبت داده اند، "آنوبانی" "پادشاه "لولوبیان" را نشان می دهد که مسلح به تیرو کمان و تبر، مستظهر به کمک و تأیید الهه "ایشثار" (۴)، اسیرانی به چنگ آورده است - کتیبه ای که با این نقش برجسته ضمیمه شده، بنا به قول "دیاکونف" چنین است:

"آنوبانی" پادشاه لولوبوم تصویر خویش و تصویر ایشثار را بر کوه پادیر نقر کرد (۵).

در قسمت های پیشین، وضعیت عمومی جامعه روستائی ایران از ابتدای پیدایش تانیمه اول هزاره سوم قبل از میلاد تشریح شد - از آن زمان، تاریخ ایران به عهد تکوین دولت "گام گذشت - چون دولت - به طور عام - یک نهاد مهم اجتماعی است که تکوین و رشد آن برای هر جامعه با تغییرات کیفی در آن جامعه بستگی دارد، نمی توان از تشریح جوامع روستائی ایران در چنین عهدی منصرف شد - به همین لحاظ قسمت حاضر، به همین مضمون اختصاص پیدا میکند - دولت، سازمانی سیاسی و مرکب از عناصر و ارگانهای است که به منزله یک دستگاه کار میکند تا سلطه آن طبقه اجتماعی را تضمین نماید که از لحاظ اقتصادی بر جامعه حاکم است - به همین علت، با وجودی که نیروی دولت از بطن جامعه برمیخیزد، ولی به قول "انگلس": "ما فوق جامعه قرار میگیرد" - در اینجا توجه به توصیفی که "انگلس" از پیدایش دولت نگاشته و تعریفی که از آن به دست داده است اهمیت با زری دارد - بنا به قول او:

"دولت، قبل از هر چیز، محصول جامعه در یک مرحله رشد آن است و اقاربه مخصصه ای که جامعه بر اثر یک تضاد حل نشدنی با خود پیدا کرده و به جناحهای آشتی ناپذیری تقسیم شده که توانائی رفع آن را ندارد - ولی برای آن که متخاصمین - یعنی طبقاتی که بر حسب منافع اقتصادی رو در روی هم قرار گرفته اند - خود و جامعه را با مبارزه ای ناکام نفرسایند، ضرورتاً نیروئی به ظاهر ما فوق جامعه باید چنین برخوردی را تخفیف بدهد و آن را در حد و "انتظام" نگهدارد - این نیروئی که از جامعه بر - خاسته است، ولی ما فوق جامعه قرار میگیرد و پیش از پیش با آن بیگانه میشود، دولت است" (۱)

به منظور استفاده آسانتر از عبارات "انگلس" در فوق، قطعه ای از نگارش دکتر "ا.ح.آریانپور" هم در همین باره نقل میشود:

"تکامل جامعه باعث افزایش تولید اقتصادی میشود، و افزایش تولید اقتصادی سبب میگردد که دسترنج بخشی از اعضای جامعه برای معیشت همه اعضا کافی باشد - در نتیجه، گروهی از اعضای جامعه میکوشند تا به جای شرکت در تولید اجتماعی، به نحوی از انحاء، دیگران را مورد بهره کشی قرار دهند، و برای این منظور وجود حکومت را ضروری یابند - بنا بر این، باید پذیرفت که در آغاز تمدن، جامعه وسعت میگیرد و تجانس ابتدائی از میان میرود و جامعه به دو جناح یا طبقه تا نیاز گاز تقسیم میشود - آنگاه یکی از طبقه برای تأمین منافع خود و در هم شکستن مقاومت طبقه دیگر و تحمیل اراده خود بر آن حکومتی به بار می آورد - طبقه حاکم جامعه، هم برای فرونشاندن شورش های طبقه محکوم و تأمین آرامش جامعه و هم برای غلبه بر جامعه های دیگر، ناگزیر از تحکیم روز افزون حکومت است - به بیان دیگر، ستیزه های داخلی و خارجی جامعه، مایه استواری و نیرومندی حکومت می شوند و پایه دولت را میریزند" (۲)

با این اوصاف، اگر معلوم شود که هزاره سوم قبل از میلاد عهد تکوین دولت در ایران تحقق یافته است، در این صورت از همان زمان در جوامع روستائی ایران مرحله فرو پاشی "نظام و دمانی"

قبائل دیگری در ایران که از همان نیمه دوم هزاره سوم قبل از میلاد موفق به تأسیس دولت شدند، در اسناد تاریخی، به نام "کوتیان" مشهورند - سرزمین قبائل "کوتی" به احتمال زیاد، محلی در جوار شرقی و شمال و شمال غربی سرزمین "لولوبیان" بود - "کوتی" ها، بنا به استنتاج "دیاکونف" (۶)، با دولتی برخاسته از اتحاد سران قبائل خود، در قرن بیست و سوم قبل از میلاد، دولت پادشاهی "اکد" را در "بین النهرین" شکست داده اند - با همه این ها، مسلم است که دولت های مستقر در بین النهرین، قبائل "کوتی" و "لولوبی" و بقیه ساکنان کوهستان های "زاگرس" را در ایران به منزله منبعی برای تأمین برده تلقی می کردند - به این لحاظ، جنگ افروزی این دولت ها، به منظور گرفتن اسیر و واداشتن آنان به بردگی، چنان که بعداً استدلال خواهد شد، به تکوین سریع تر دولت در بین این قبائل کمک کرد -

بقیه این قسمت در شماره آینده



شکل دو - نقش برجسته پادشاه "لولوبی" ها و اسیران او و "ایشثار" بر صخره ای در حوالی "سرپل زهاب".
اقتباس از کتاب "تاریخ ماد"، صفحه ۱۳۷

یادداشت ها:

- ۱ - انگلس: "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"، انتشارات سوسیال، پاریس، چاپ دوم، ۱۹۲۳، صفحه ۱۷۸
- ۲ - آریان پور: "زمینه جامعه شناسی"، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۰۱۴، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۴، صفحات ۳۰۰ و ۳۰۱
- ۳ - گیرشمن: "ایران از آغاز تا اسلام"، ترجمه دکتر محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۹، صفحه ۳۶
- ۴ - "ایشثار"، در عقاید کهن سومری و بابلی زوجه "تموز" پنداشته می شد و هر دو خدایان کشاورزی بودند - در قوم "آشور"، گذشته از آن که "ایشثار" را الهه حاصلخیزی می دانستند، وظایف نظامی را هم به او منسوب می کردند - بابلی ها، در عین حال، "ایشثار" را مظهر سیاره زهره هم می دانستند - بنا به قول "پورداد" در "یشت ها"، جلد اول، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۷، صفحه ۱۳۶، برخی به لحاظ خصایص مشابه "ایشثار" و "ناهید" (الهه نگهبان آب در اساطیر ایرانیان باستان)، پرستش ناهید را در ایران به غلط ناشی از نفوذ معتقدات منسوب به پرستش "ایشثار" دانسته اند -
- ۵ - دیاکونف: "تاریخ ماد"، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۳۶
- ۶ - دیاکونف: همان منبع، صفحه ۱۳۹

بقیه با فعالیتهای سندیکائی

اختراع نمی کنند که با چند تکه نخ کار بکنند - ادعای آنکه جامعه را دگرگون بکنیم بدون آنکه به قدرت دولت کار داشته باشیم، بدون اینکه ببینیم و آشکارا بگوئیم که باید این قدرت دگرگون شود تا بتوان همه چیز هارا عوض کرد و بدون اینکه به روشنی بگوئیم چگونه و با چه چیزی می خواهیم آن را جایگزین کنیم، این کار عملاً و صرف نظر از هر نیت نیکی که داشته باشیم به معنای آنست که هرگونه دگرگونی واقعی را برخود ممنوع کنیم و سرمایه داری را جاودانه سازیم، زیرا اندیشه های نیک و جوانمردانه بدون راه و وسائل عملی به اجراء نآوردن آن ها حد اکثر نوعی موعظه پردازی است -

یادداشت:

این متن از کتاب "سندیکاها و مبارزه طبقات" (انتشارات اجتماعی، پاریس ۱۹۶۹) هانری گراسوسکی استخراج شده است -

هنر و ارتباط آن با دیگر اشکال اجتماعی

آزیز

ترجمه الف پایدار

هنر و سیاست : زیبایی شناسی بند ارگرا معمولا " هم بستگی هنر و سیاست را تنها از یک راه حل می کند : هنر و سیاست ماهیتا " از یکدیگر متفاوتند و دو کارکرد کاملاً متفاوت به عهده دارند . هواداران این نظریه به این واقعیت استناد می جویند که موضوع سیاست ناپایدار و گذرا است ، در حالیکه موضوع هنر جاودانی و ابدی است . به عقیده اینان هنر و سیاست دو پدیده متضاد ، و گاه متقابل " ناقض یکدیگرند . بنه توکروچه فیلسوف زیبایی شناس نامدار هنر را از هرگونه جنبه عینی و علمی جدا می کند ، آن را فعالیت کاملاً " خود بخودی و آزاد می داند ، و هر نوع هنری را که با سیاست پیوند داشته باشد شبه هنری - نامد . آر جی کالینگ وود زیبایی شناس انگلیسی و پیرو گروه اندیشه های استاد را در این زمینه گسترش می دهد . او با آنکه ظاهراً " دشمن " هنر سیاسی و حتی هنری که " احساسات کمونیستی را برانگیزد و رواج دهد " نیست ، ولی چنین هنری را " هنر جادویی " می نامد تا هنر به معنای درست کلمه . در نظر کالینگ وود آن دسته از آرزوها و امیال هنرمند که عواطف سیاسی خاصی در شنوندگان برانگیزند ، در نهایت ، " در خدمت " سیاست اند تا آفرینش هنری (۱) یکی از ویژگی های برجسته عصر ما شرکت فعال صدها میلیون در زندگی سیاسی است . مبارزه طبقاتی در اشکال گوناگون آن - از جمله ، مبارزه ایدئولوژیک در کشورهای سر- مایه داری حادتری شود . در چنین شرایطی پیوند عضوی هنر و سیاست بارزتری گردد . نفی این پیوند و ترویج نظریه " استقلال " هنر از سیاست حمایت از اندیشه های ارتجاعی است .

تجربیات هنری در تمام جهان این واقعیت را ثابت می کند : نه هنر " مستقل " که برعکس هنر جانبدار و توده ای است که به خاطر نزدیکی بسیارش با زندگی و تأثیر پذیری از اندیشه های مترقی سیاسی می تواند جانی در گنجینه فرهنگ هنری انسان دارا باشد . حتی گروهی از هنرمندان که از ایدئولوژی کمونیستی بسیار دورند به این نتیجه رسیده اند که هنر معاصر نمی تواند تصویر روانشناسانه درستی از انسان بدست دهد هرگاه هنرمند در اثر خود روابط متقابل اجتماعی را که سازنده شخصیت انسانند ، در نظر نگیرد . پیوند میان هنر و سیاست ، و وابستگی هنر به سیاست رفته رفته بخش جدائی ناپذیر از آگاهی انسان معاصر می گردد : این نکته خصوصاً در مورد هنرمندان متعهد و آگاه صادق است . الکساندر بلوک شاعر روسی خطاب به روشنفکران می گفت : " به انقلاب گوش سپارید " ، امروز نیز نویسنده کوبائی و برجیلیو بی سرا برای همتایان خود از نیاز هم گامی با انقلاب سخن می گوید و از آنها می خواهد ساعت هایشان را با ساعت انقلاب میزان کنند . در سال ۱۹۲۸ ، شخصیت برجسته تئاتر لهستان لئون شیلر هنگام بیان آنچه که هم اعتقاد اجتماعی و هم اعتقاد هنری او بود نوشت : " جهت ؟ " " به سمت چپ و آنگاه مستقیم به پیش " .

" موضوع ؟ " " زندگی معاصر ، نیازها و آرزوی های آن ، مبارزه برای ایجاد جامعه و اخلاق فمردا " . لئون شیلر از هنرمندان می طلبد تا نه از احساس مسئولیت نسبت به " ابدیت " که از توده های هم عصر خود الهام می گیرند : کارکرد هنر جز خدمت به توده ها نیست . ایدئولوژی زدائی در هنر از ویژگی های زیبایی شناسی بورژوازی است و قبل از این سخت مورد انتقاد قرار گرفته است . در سال های اخیر شیوه تازه ای در زیبایی شناسی بورژوازی پیدا شده که عبارت از سیاسی کردن هنر است . البته باید توجه داشت که مفهوم سیاسی بودن هنر نادرست بررسی و توجیه می شود . در این زمینه مقاله " هنر و سیاست نوشته مایکل دافرنه قابل توجه است (این نوشته در هفتمین کنگره بین المللی زیبایی شناسی قرائت گردید) . دافرنه دو مسئله را به درستی تشخیص می دهد : اول این که در عصر ما رابطه هنر و سیاست موضوع بحث انگیز شده است ، دوم : سیاسی کردن آفرینش هنری مورد توجه خود هنرمندان نیز قرار گرفته است . نقطه نظر دافرنه در این مورد بیشتر نیت گرایانه است تا انقلابی ، و شباهت های بسیاری با نظریات هربرت مارکوزه دارد . بهر صورت ، در مواردی راه حل مسئله چندان مهم نیست ، بلکه خود این واقعیت که عدای از یک شیوه غیر سیاسی به شیوه ای سیاسی روی می آورد ، اهمیت بیشتری دارد : شیوه ای که نقش بالنده اندیشه های سیاسی را در زندگی معنوی انسان معاصر منعکس می کند و بازتاب رشد پیوستگی میان هنر و سیاست است .

نقش سیاست در زندگی امروزی انسان ها تغییر کرده است . مرز میان زندگی خصوصی و " روزمره " انسان با مسائل اساسی سیاسی از بین می رود و انسان به نحو چشم گیری حتی در زندگی خصوصی خود به " حیوانی سیاسی " تبدیل میشود . نشانه تعمیق زندگی سیاسی معاصر شوروشوقی است که برای پیگیری و بحث در مورد مسائل وجود دارد ، که خود در عین حال زمینه مناسبی برای رشد هنر فراهم می کند .

در این رابطه اشاره به برخی از پدیده های اساسی هنر معاصر مثل سینما ، تئاتر و آوازه های سیاسی بی مناسب نیست . در اینجا منظور ما هنری نیست که به سیاست ارتباط پیدا می کند ، بلکه از هنری سخن می گوئیم که از سیاست جدائی ناپذیر است و تحت تأثیر عمیق آن رشد می کند . از این نظر تمام شکل های هنری ، حتی آنها که ظاهراً " از مسائل حیاتی زندگی دور اند ، " سیاسی " اند . مراد ما از سینما ، تئاتر و ادبیات سیاسی پرداخت مستقیم هنری از مسائل سیاسی و آمیزش این مسائل با تار و پود هنری اثر است .

مبارزه میان هنرمندان مترقی و هواداران هنر " ناب " در نهایت انعکاس مبارزه طبقاتی است . به قول گورگی ، هنر همیشه پهنه مبارزه " برای چیزی " و " علیه چیزی " است .

نتیجه آنکه جدا ناپذیری هنر از سیاست از ذات هنر بر- می خیزد . در جامعه شوروی پیوندی عمیق میان هنر و سیاست وجود دارد . در شرایط سوسیالیسم سیاست تأثیری بالنده و بارآور بر رشد هنر می نهد . سیاست های حزب کمونیست بیان موجز و فشرده منافع اجتماعی است . در یک جامعه سوسیالیستی ادبیات و هنر پیوندی عضوی با زندگی توده ها و اساسی ترین اهداف و منافع آنها دارد . سیاست راهنمای عمل آفریننده و خلاق است ، به آن یاری می رساند تا بازتاب صادقانه و درست زندگی توده ها باشد . سیاست سبب می گردد تا ادراک هنری اساسی ترین زمینه های زندگی جامعه را در برگیرد .

تاریخ ادبیات نویسنده معروف شوروی بنام ویکتور شک لوسکی پس از نفی اندیشه خود بسندگی در هنر ، مدتها گرفتار تردیدی دردناک می شود ، سال ها بعد به این نتیجه می رسد که " در شعر ، رنگ پرچم یعنی همه چیز . رنگ پرچم یعنی رنگ روح ، در حالیکه روح در هنر است که تجلی دو - باره می یابد " .

زیبائی شناس مارکسیست - لنینیست با آنکه بستگی هنر را به سیاست در نظر می گیرد ، در عین حال با هر گونه ساده انگاری در تفسیر این وابستگی مخالف است . ساده و عامیانه کردن در این مورد به معنای آن است که هنر را وسیله تبلیغ اندیشه های سیاسی در نظر گیریم و محتوی هنر را به سطح شعارهای سیاسی تنزل دهیم . اینگونه احکام ساده و خشک در مورد رابطه هنر و سیاست در نهایت به جزم اندیشی در زیبایی شناسی می انجامد . جزم اندیشی اینطور فکر می کنند که دو وجه سیاسی و هنری در یک اثر ، همچون دو مقوله مستقل از یکدیگر در کنار هم وجود دارند ، و ماهیت اولی است که ارزش دومی را تعیین می کند ، شعار آنها این است : " نخست سیاسی ، آنگاه هنری " . این شیوه برخورد خام و خشن با ماهیت و ذات هنر بیگانه است . هنر ایدئولوژی سیاسی در آمیخته با رنگ و زرغن هنری نیست . مفهوم سیاسی بودن ذاتی تار و پود یک اثر است و هیچگاه نه بر آفرینش این تار و پود پیشی می گیرد و نه زندگی جداگانه ای از آن دارد . الف ای میکویان پس از گفتگو با ارنست همینگوی به این نتیجه می رسد : " استعداد نویسنده ، صداقت حقیقت نگاری و واقع بینی اش باعث گردید تا بهترین آثار او کیفیتی سیاسی پیدا کنند " .

نگرش جزمی و ایستا نسبت به رابطه میان هنر و سیاست عمیقاً با درک مارکسیست - لنینیستی از هنر بیگانه است . مارکس و انگلس از جمله مخالفان تبدیل کردن شخصیت های رومان به سخنگویان روح عصر و زمانه بودند ، آنها روانی دانستند که به منظور آموزش شعارهای سیاسی ، جایگزین بازنمایی حقیقی و رنگارنگ واقعیت گردد . چنین کاری در نهایت به تنزل ایقان هنری می انجامد ، و از قدرت تأثیر گذاری هنر می کاهد . اهمیت سیاسی و اجتماعی هنر شوروی را حقیقت نگاری ، بازآفرینی صادقانه و جستجوهای ژرف در سنت ها و زمینه های حاکم بر زندگی جامعه ما تعیین میکند .



داشت : هرچه نوزاد بیشتری بمیرد به برنامه تنظیم خانواده کمک خواهد کرد . (اطلاعات ۲۷ مه ۱۳۵۰) قریب پنجاه درصد از بیماران افلیج کشور ما را کودکان تشکیل میدهند .

در همین ستم پدیده ما کودکان به علت فقر خانواده و تا میهن معیشت آن ناچارند در کارخانه ها ، کارگاهها ، مزارع کار کنند . یکی از دلایل عمده عقب ماندگیهای اجتماعی کشور ما بی توجهی به زندگی و سرنوشت کودکان است . از این رو حل مسئله کودکان به حل مسئله اجتماعی بسود زحمتکشانشان بستگی دارد .

اکنون که برای ریشه کن کردن فرهنگ استعماری از انقلاب فرهنگی صحبت میشود ، توجه به زندگی مادی و معنوی کودکان برای به ثمر رساندن یک چنین انقلابی در درجه اول اهمیت قرار دارد .

مردم ایران در سالروز بین المللی کودکان چشم پشیمان اقدامات انقلابی برای دگرگونی زندگی سازندگان آینده کشور خود هستند و انتظار دارند در رپرتواین اقدامات همه آثارشومو مخرب رژیم پوسید ه گذشته در زندگی کودکان ما از بیخ و بن رفت و روپ گردد .

بقیه کودکان ایران

به برکت همین سیستم طبقاتی است که شمیبران ۷۶ کود کستان ، قم سه کود کستان ، جالوس یک کود کستان ، مهاباد ۸ کود کستان و تبریز ۲۶ کود کستان دارد . طبق مطالعات انجام شده ثابت شده است که از هر ۱۰۰ کود ک ایرانی سه نفر دارای نیوغ است . وقتی این واقعیت را با آمار کود کانی که راه به مدرسه ندارند مقایسه کنیم عمق فاجعه آشکار میشود .

مرگ و میر کود کان کمتر از یک سال در کشور ما ۱۰۴ هزار است . این رقم در روستاها حتی به بیشتر از ۱۳۰ هزار میرسد . از هر ۱۰۰ کود ک ۵۰ کود ک پیش از رسیدن به سن ۵ سالگی می میرند .

این رقم در کشور استعمار زده های چون ایران یکی از بالا ترین ارقام مرگ و میر کود کان در جهان است . اعتراف قاسم معتمدی یکی از کارگزاران رژیم سابق سیاست نابودی نسل را بوضوح نشان میدهد . او در این باره اعلام

بقیه:

سرنوشت غم انگیز...

د وارد وگا سوسیا لیسوم سرمایه داری زندگی کاملاً متفاوتی دارند. هر قدر رکود گسترده در کشورهای سوسیالیستی از زندگی آسوده، خوشبخت، با فرهنگ، انسانی و فارغ از زنجیر و عذاب های فردی و اجتماعی برخوردارند و برای بالندگی و رشد هماهنگ آنان هزینه های کلانی در برود چه های دولتی اختصاص می یابد، به عکس در کشور های سرمایه داری زندگی کودکان رنگ فلاکت و طبقاتی دارد و استثمار وحشیانه این نظام برجین آنان آشکار است.

د وارد وگا وسیع سرمایه داری اکثریت قریب به اتفاق کودکان از اینده خود بیگانگند و در نهایت زنج و عذاب فقر و بیسوادی، آلودگی های اجتماعی و انواع محرومیت های مصیبت آفرین بسر میبرند. در این ارد وگا که شامل تعداد کمی کشورهای پیشرفته صنعتی استعمارگر و تعداد بی شماری کشورهای عقب مانده استعمارزده است. زندگی کودکان بر حسب پیشرفت و عقب ماندگی آنان باز چسب دست سوداگران سرمایه و نظام لعنت آفرین آنان است.

طبق گزارش دفتر بین المللی کار به سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۹ نزدیک به ۱۰۰ میلیون کودک در وارد وگا سرمایه داری اعم از کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای عقب مانده بجای تحصیل کار میکنند. از این ۵۲ میلیون کودک در صنایع و کشاورزی ۴۸ میلیون بقیه در کارخانه ها کار میکنند. طبق همین آمار در جهان سرمایه داری ۵۴ میلیون کودک کمتر از ۵ سال مشغول کارند ۳۸ میلیون در آسیا، ۱۰ میلیون در آفریقا و بیش از ۳ میلیون در آمریکای لاتین. در این کشورها نوجوانان ۱۰ تا ۱۴ ساله قریب ۳۰ درصد عده زحمت کشان را تشکیل می دهند. شروع کار عده ای از آنها از سن ۶ یا ۷ سالگی است. اکنون در جهان سرمایه داری ۳۰۰ میلیون کودک به سن مدرسه وجود دارد که به مدرسه راه ندارند. در آسیا از برکت نظام سرمایه داری و میراث استعمار قریب ۸۰ میلیون کودک تا ۱۱ ساله هنوز زیر پوشش سیستم تعلیم و تربیت قرار ندارند. در کشورهای عقب مانده بسیار زیاد است. در این قاره بطور

متوسط از هر ۱۰۰۰ نوزاد ۱۰۰ کودک پیش از رسیدن به سن یک سالگی می میرند. در برخی مناطق این قاره ارقام هنوز بالاتر است. مثلاً در جنوب شرقی آسیا ۱۴۰ کودک، در ترکیه ۵۰ کودک در نپال ۲۰۰ کودک است. کودکانی که از جنگ مرگ گریخته اند و زنده میمانند در معرض سوء تغذیه و ناراحتی های ناشی از کمبود مواد غذایی قرار دارند. آمار سال ۱۹۸۱ نشان میدهد که تقریباً ۴۶ میلیون از ۲۲۸ میلیون کودک کمتر از چهارده سال از کمبود مواد غذایی رنج میبرند. این کودکان غالباً دچار کم خونی هستند.

د ر آفریقا کودکان نخستین قربانیان سیستم استعماری سرمایه داری و نژاد پرستی هستند. طبق آمار سازمان بین المللی کار در ۱۹۷۹ بیش از ۱۰ میلیون کودک آفریقائی کمتر از ۱۲ الی ۱۴ سال یا حتی کمتر ناچارند برای تامین معیشت خانواده خود کار کنند. کارگران خرد سال در کارگاهها، مزارع و معادن به کارهای پر زحمت و غیر تخصصی اشتغال دارند. این کودکان به علت رنج تن وند داشتن غذا، های کافی در کودکی پیر میشوند. سن تغذیه سالانه بیش از ۴۰۰۰۰۰ کودک آفریقائی را به کام مرگ میکشد. آمار مرگ و میر کودکان آفریقائی بر اثر بیماری و سوء تغذیه در شهرها ۲۰۰۰ هزار در روستاها بیش از ۴۰۰۰ هزار است.

د رژیم های وابسته و نژاد پرست آفریقا جهل و گرسنگی و بیماری مطلق را برای کودکان سیه روز این قاره به ارمغان آورده اند. طبق آمار رسمی ۷۵٪ کودکان سیاه پوست جمهوری آفریقای جنوبی پس از دو سال تحصیل مدرسه را ترک میکنند و تنها ۵٪ وارد مدارس متوسطه میشوند. در رگامی درصد مرگ و میر کودکان به ۳۶۹ در هزار میرسد. در مصر و مراکش این نسبت ۱۸۰ در هزار و در تونس ۱۲۰ در هزار است.

د آمریکای لاتین یکی از صحنه های دیگر زندگی سراسر فلاکتیابار برای کودکان است. بر اساس آمار دفتر بهداشت پان آمریکا در ده سال اخیر ۷/۵ میلیون کودک در این منطقه به علت نداشتن کمک پزشکی جان سپردند. طبق آمار سازمان بین المللی کار بیش از ۳ میلیون کودک آمریکای لاتین به علت فقر و تنگدستی فاحش خانواده شان ناچارند کار میکنند.

۴۰٪ کودکان آمریکای لاتین راه بسه مدرسه ندارند. تسلط شرکتهای چند ملیتی در آمریکای لاتین موجب افزایش وحشتناک تعداد ولگردان، گدایان خرد سال و انواع جوانان معتاد در کشورهای این منطقه شده است. در آمریکای لاتین در هر سه دقیقه یک کودک از گرسنگی جان میسپارد.

د ربهشت سرمایه داری چون آمریکا، ایتالیا، آلمان و غیره نیز کودکان از آسیب این نظام ضد خلقی برکنار نمانداند. در این کشورها صد ها هزار کودک به سن ۸ تا ۱۵ ساله مجبورند تا دوازده ساعت در روز بخاطر مزد ناچیز کار کنند. مطابق آمار یونسکو کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله ۴ درصد کارگران کشورهای پیشرفته سرمایه داری را تشکیل میدهند. کارفرمایان صرفاً بخاطر پرداخت مزد کم از نیروی کار کودکان بجای سالمندان استفاده میکنند. در ایتالیا بیش از ۵۰۰۰۰ کودک در کارهای ساختمانی، ۱۰۰۰۰۰ کودک در دستگاه ها و کارگاههای پارچه بافی، ۲۰۰۰۰۰ کودک در خدمات و امور بازرگانی و ۵۰۰۰۰۰ کودک کمتر از ۱۴ سال در کارهای کشاورزی کار میکنند. در ایالات متحده آمریکا بیش از ۵ میلیون کودک به مدرسه نمیروند. سطح سواد سه میلیون کودک تا کلاس پنجم دبستان متوقف میماند. یک سال تحصیل در کالج های آمریکا ۵۲۰۰ دلار هزینه بر میدارد. گدائی کودکان در کشور مدعی دفاع از حقوق بشر و قلمبه گاه سرمایه داران جهان یکی از پدیده های عادی بشمار میرود. مرگ و میر کودکان سرخپوست آمریکا ۸ برابر کودکان سفید پوست است.

د نیویورک هر روز تقریباً ۲۰۰۰ قتل، هتک ناموس، راهزنی و سرقت صورت میگیرد. در واشنگتن سالیانه بیش از ۴۰۰۰ سرقت مسلحانه بوقوع میپیوندد. پلیس آمریکا یاد آور میشود که جوانان کمتر از ۱۸ سال تقریباً نیمی از مجرمین را تشکیل میدهند.

د طبق آمار رسمی ۵۳ درصد آمریکائی های ۱۸ تا ۲۵ ساله و ۲۲ درصد آمریکائی های ۱۲ تا ۱۷ ساله بطور دائم ماری جوانا میکشند. د ر آلمان فدرال کودکان تحت تاثیر فیلم های مبتذل و نبودن تفریحات سالم و کمبود های مالی به دزدی و فروش مواد مخدر جذب میشوند. اعتیاد در میان نوجوانان بیداد میکند. در فاصله

۱۹۷۰-۱۹۷۵ بیش از ۲۵۰ هزار نوجوان آلمانی به جرم شرکت در سرقت ها دستگیر و زندانی شدند. در این کشور سه هزار از جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله به هر شیوه مبتلا هستند. صدی ۴۰ کودکان آلمانی در سن مدرسه بطور منظم نوشابه های الکلی می آشامند.

د کودکان تنها در کشورهای سوسیالیستی به مفهوم واقعی کلمه از حمایت بید ریخ و گسترده سراسر جامعه برخوردارند و به حق اربابان زندگی جامعه خود محسوب میشوند. در این کشورها واقعا یک طبقه ممتاز وجود دارد که جز کودکان هیچکس دیگری نیست. این طبقه ممتاز در اتحاد شوروی از چه مزایائی برخوردار است؟ به ارقام زیر توجه کنید:

د ۱۹۷۸ دولت شوروی ۱۵ میلیارد روبل یعنی شصت درصد تمام هزینه های بودجه دولت برای تعلیم و تربیت را به امر آموزش و پرورش، خدمات شبانه روزی ها، اردوهای پیشاهنگی و موسسات غیر آموزشی اختصاص داد. هزینه تعلیم و تربیت هر دانش آموز ۸۰ روبل در سال است. برای نگهداری یک کودک در شیرخوارگاه بیش از ۵۰۰ روبل و در کودکستان بیش از ۴۵۰ روبل خرج میشود. ۸۰ درصد این هزینه ها را دولت میپردازد. در شوروی بیش از ۱۲۰ هزار کودکستان وجود دارد که در آن بیش از ۱۳ میلیون کودک پرورش می یابد. در برنامه پنج ساله کنونی ۲/۵ تا ۳ هزار شیرخوارگاه و کودکستان در هر سال آماده بهره برداری میگردد. اکثریت مطلق خرد سالان و دانش آموزان تابستان را در ریلایق وارد و های پیشاهنگی میگردانند. هر سال بیش از یک میلیون و پانصد هزار کودک و نوجوان در آسایشگاهها و استراحتگاهها تحت درمان قرار میگیرند و به استراحت میپردازند. هزینه درمان و استراحت مجانی است و از محل بیمه اجتماعی و بودجه دولت پرداخت میشود. ۵۰ درصد هزینه رفت و برگشت را دولت تامین میکند.

د دولت شوروی به ورزش کودکان و نوجوانان توجه ویژه ای میدارد. هر سال ۲۰ میلیون دانش آموز را انواع مسابقات شرکت میکنند. در ۱۹۷۸ در این کشور تقریباً ۵۷۰۰ مدرسه ورزشی برای ۲ میلیون کودک و نوجوان وجود داشت. در ۱۹۸۰-۱۹۷۹ گشایش ۲۷ مدرسه از این نوع پیش بینی شده است.

داری ۳ برابر افزایش یافت. در نتیجه، سهم کشورهای گروه نخست در صنعت نفت و گاز کشورهای دنیای غیر سوسیالیست به ۳۵٪ رسیده یعنی تقریباً سه برابر دوره پیش از جنگ است. پیدایش شرایط مهم عینی برای بروز بحران انرژی و مواد اولیه در اقتصاد جهانی سرمایه داری از این واقعیت سرچشمه می گیرد.

د قسمت عمده مواد معدنی کشورهای در راه رشد کسب استخراج آن توسط سرمایه های انحصار گر خارجی انجام می گیرد. هنوز به کشورهای صنعتی سرمایه داری انتقال می یابد این امر به هیچ وجه به معنای آن نیست که رشد سریع صنعت استخراج در کشورهای در راه رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مطلقاً به منافع حیاتی شان پاسخ نداده است، بلکه بطور انکار ناپذیر می توان گفت که در حد معینی به کمتر شدن شکاف صنعتی آیند و گروه کشورها کمک نموده است. در سالهای اخیر، تعدادی از این کشورها به موهبت مبارزه ضد امپریالیستی موفق شدند ثروت های طبیعی خود را ملی کرده و نظارت موثر خود را بر صنعت استخراج برقرار نمایند. درآمدهائی که از این موسسات ایجاد می کنند در بسیاری از کشورها به عامل اساسی اقتصادی شان بدل شده است. با وجود این باید در نظر داشت که کشورهای پیشرفته سرمایه داری بطور متوسط ۳۵ برابر تولید سرانه کشورهای در راه رشد مواد معدنی (منجمله نفت و گاز) استخراج می کنند.

د از بررسی جدول فوق این نتیجه به دست می آید که در دهه های اخیر در همه شاخه ها آهنگ های کلی رشد تولید در جهان در راه رشد بیشتر از مراکز سرمایه داری بوده است. در هر شاخه خط پیشرفت با ویژگی مخصوص به خود نمایان میگردد. در گفتگو از این نوع ویژگی نخست باید از پیشرفت سریع صنعت استخراج در کشورهای در راه رشد سخن گفت. حجم تولید این صنعت در ۳۰ سال (۱۹۴۹-۱۹۷۸) بیش از ۸ بار افزایش یافت، در صورتیکه فزونی تولید همین صنعت در کشورهای پیشرفته سرمایه داری کمتر از دو برابر بوده است. این امر از یک سو موجب کاهش شکاف وسیع دیرین بین د و گروه از کشورها در زمینه استخراج منابع معدنی گردید و از سوی دیگر وابستگی صنعت انرژی و بسیاری از شاخه های صنعت تبدیل مراکز صنعتی سرمایه داری را به صادرات این مواد از کشورهای در راه رشد افزایش داد. اگر در آغاز دوره مورد بحث سهم کشورهای در راه رشد تنها ۱۵٪ مجموع تولید کلی مواد خام و مواد سوختنی اقتصاد جهانی سرمایه داری بود، در پایان دهه ۷۰ رقم مذکور به ۴۵٪ فزونی یافته است. این افزایش به موهبت از یاد تولیدات در اکثر منابع معدنی بوده است، ولی اساساً آن را باید محصول اهمیت فوق العاده نفت و گاز در اقتصاد جهانی پس از جنگ دانست. در سه دهه اخیر، استخراج این مواد در کشورهای در راه رشد بیش از ۱۳ برابر و در کشورهای سرمایه

از بررسی جدول فوق این نتیجه به دست می آید که در دهه های اخیر در همه شاخه ها آهنگ های کلی رشد تولید در جهان در راه رشد بیشتر از مراکز سرمایه داری بوده است. در هر شاخه خط پیشرفت با ویژگی مخصوص به خود نمایان میگردد. در گفتگو از این نوع ویژگی نخست باید از پیشرفت سریع صنعت استخراج در کشورهای در راه رشد سخن گفت. حجم تولید این صنعت در ۳۰ سال (۱۹۴۹-۱۹۷۸) بیش از ۸ بار افزایش یافت، در صورتیکه فزونی تولید همین صنعت در کشورهای پیشرفته سرمایه داری کمتر از دو برابر بوده است. این امر از یک سو موجب کاهش شکاف وسیع دیرین بین د و گروه از کشورها در زمینه استخراج منابع معدنی گردید و از سوی دیگر وابستگی صنعت انرژی و بسیاری از شاخه های صنعت تبدیل مراکز صنعتی سرمایه داری را به صادرات این مواد از کشورهای در راه رشد افزایش داد. اگر در آغاز دوره مورد بحث سهم کشورهای در راه رشد تنها ۱۵٪ مجموع تولید کلی مواد خام و مواد سوختنی اقتصاد جهانی سرمایه داری بود، در پایان دهه ۷۰ رقم مذکور به ۴۵٪ فزونی یافته است. این افزایش به موهبت از یاد تولیدات در اکثر منابع معدنی بوده است، ولی اساساً آن را باید محصول اهمیت فوق العاده نفت و گاز در اقتصاد جهانی پس از جنگ دانست. در سه دهه اخیر، استخراج این مواد در کشورهای در راه رشد بیش از ۱۳ برابر و در کشورهای سرمایه

بقیه:

سرمایه داری و جهان...

گرایش های رشد دراز مدت سه بخش مهم صنعت در جدول شماره ۳ به روشنی نمودار است.

وزن ویژه شاخه های عمده صنعت در کشورهای در راه رشد و کشورهای سرمایه داری

شاخه های صنعت	کشورهای در راه رشد			کشورهای سرمایه داری		
	۱۹۶۳	۱۹۷۰	۱۹۷۸	۱۹۶۳	۱۹۷۰	۱۹۷۸
صنایع استخراج	۳۱.۵	۴۰.۵	۴۵.۰	۶۸.۵	۵۹.۵	۵۵.۰
صنایع تبدیلی	۹.۵	۱۰.۵	۱۳.۰	۹.۵	۹.۰	۸.۷
صنایع سبک	۱۴.۰	۱۵.۰	۱۷.۰	۱۶.۰	۱۵.۰	۱۴.۰
صنایع سنگین	۶.۵	۷.۵	۱۰.۵	۹.۵	۹.۲	۸.۹
انرژی (برق، گاز)	۹.۵	۱۰.۵	۱۵.۵	۹.۵	۸.۹	۸.۵

* حجم کل تولید هر شاخه در اقتصاد جهانی سرمایه داری برای سالهای مربوط = ۱۰۰٪
منابع: سالنامه محاسبات آمار ملی سازمان ملل، سالنامه آمار بولتن آمار برای سالهای مربوط.

قانون اساسی تازه افغانستان

(قسمت دوم)

ماده بیست و نهم :

برای اتباع جمهوری د مکرراتیک افغانستان حقوق و آزادیهای د مکرراتیک ذیل تامین و تضمین میگردد :

- ۱- حق زندگی و مصونیت
- ۲- آزادی کامل ادای مناسک دین مبین اسلام و همچنان ادای مراسم مذهبی برای پیروان سایر ادیان مطابق به قانون
- ۳- حق کار و دولت جهت تامین حق کارمندی اجتماعی برای تمام مردم تدابیر اتخاذ مینماید، شرایط کار را کنترل و در مورد کار قوانین مترقی وضع و تدوین میکند
- ۴- حق وقایه صحت و تامینات اجتماعی، دولت جهت انکشاف شبکه های حفظ الصحة دولتی و در صورت امکان توسعه خدمات رایگان طبی، بهبود تامینات اجتماعی زحمتکشسان در صورت ازدست دادن قدرت کار و در کهن سالی و همچنین در صورت ازدست دادن متکفل برای اعضای خانواده تدابیر اتخاذ مینماید
- ۵- حق تحصیل، دولت جهت رشد و تکامل معارف ملی و مترقی، امحای بیسوادی، تعلیم به زبان مادری، رشد و توسعه تعلیمات رایگان متوسطه عالی، مسلکی، تخنیکي تدابیر اتخاذ مینماید
- ۶- آزادی فعالیت های علمی، تخنیکي کلتوری و هنری مطابق با اهداف انقلاب شور
- ۷- حق بیان آزادانه و علنی فکر، حق تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز و همچنین حق اتحاد و وطنپرستانه در سازمان های د مکرراتیک و مترقی اجتماعی
- ۸- استفاده از حقوق متذکره در چوکاتیکه نظم اجتماعی آسایش و امنیت کشور را مختل نکند توسط قانون تنظیم میگردد
- ۹- مصونیت منزل، محرمت مراسلات صحبت های تیلیفونی، مخابرات تلگرافی و سایر انواع مخابرات به استثنای حالاتی که در قانون پیشبینی شده است
- ۹- حق شکایت، عرض حال فردی و دستجمعی ارگانهای مربوطه دولت

ماده سی و یکم :

هیچکس را نمیتوان متهم به ارتکاب جرم نمود مگر مطابق به احکام قانون

هیچکس را نمیتوان گرفتار و توقیف نمود مگر مطابق به احکام قانون

هیچکس را نمیتوان مجازات نمود مگر به حکم محکمه و مطابق با حکم قانون که هنگام ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ باشد

متهم حق دفاع دارد

متهم تا زمانی که به حکم قطعی محکمه محکوم نشده است بیگناه شناخته میشود

جرمیک امر شخصی است و با ارتکاب آن شخصی دیگر مجازات نمیکرد

مجازات مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعدی مجاز نیست

ماده سی و دویم :

اتباع جمهوری د مکرراتیک افغانستان مکلفند قوانین، موازین، سلوک اجتماعی و آداب و اخلاق انسانی را احترام و رعایت کنند

وظایف و واجبات خود را صادقانه انجام دهند، حقوق و منافع قانونی سایر اشخاص را احترام نمود و به نام شایسته تبعه جمهوری د مکرراتیک افغانستان افتخار نمایند

ماده سی و سوم :

کارمندی اجتماعی و صادقانه بر مبنای وجدان پاک و وطنپرستانه و جوییه مهم و عمل پرافتخار تبعه مستعد به کار جمهوری د مکرراتیک افغانستان است

ماده سی و سوم :

دفاع از وطن و دست آورد های انقلاب شور، صداقت به اهداف و آرمان های آن و خدمت به خلق و جوییه عالی و مقدس هر یک از اتباع می باشد، خدمت در صفوف قوای مسلح جمهوری د مکرراتیک افغانستان، مکلفیت پرافتخار و وطن پرستانه عالی هر یک از اتباع جمهوری د مکرراتیک افغانستان می باشد

ماده سی و چهارم :

جمهوری د مکرراتیک افغانستان تمام شرایط را مساعد می سازد تا اتباع از حقوق و آزادیهای د مکرراتیک خویش بطور موثر استفاده کنند

فصل سوم

لویه جرگه (شورای عالی) جمهوری د مکرراتیک افغانستان

ماده سی و پنجم :

لویه جرگه (شورای عالی) عالیترین ارگان قدرت دولتی جمهوری د مکرراتیک افغانستان می باشد

ترکیب لویه جرگه طرز ترتیب کاملاً د مکرراتیک انتخاب نمایندگان خلق های افغانستان و همچنین تشکیل صلاحیت و ترتیب فعالیت آن توسط قانون تنظیم میگردد

انتخاب نمایندگان خلق هاد لویه جرگه بر اساس رای گیری عمومی، آزاد، سری مستقیم و مساوی صورت میگردد

لویه جرگه در اولین اجلاس خود قانون اساسی جمهوری د مکرراتیک افغانستان را تصویب می کند

زمان انتخابات لویه جرگه از طرف شورای انقلابی تعیین و اعلام میگردد

فصل چهارم

شورای انقلابی جمهوری د مکرراتیک افغانستان

ماده سی و ششم :

تا زمانی که شرایط لازم جهت انتخاب آزاد و مصئون لویه جرگه، شورای عالی مساعد گردد شورای انقلابی عالیترین ارگان قدرت دولتی جمهوری د مکرراتیک افغانستان میباشد

تعداد، ترکیب و انتصاب یا انتخاب اعضای جدید برای شورای انقلابی که از تمام طبقات و اقشار د مکرراتیک ملی و مترقی نمایندگی نماید به پیشنهاد هیئت رئیسه توسط شورای انقلابی تصویب میگردد

ماده سی و هفتم :

شورای انقلابی جمهوری د مکرراتیک افغانستان دارای صلاحیت های ذیل می باشد :

- ۱- تصویب فرامین و قوانین
- ۲- تصویب پلان های دولتی انکشاف اقتصادی و اجتماعی جمهوری د مکرراتیک افغانستان و گزارش های مبنی بر اجرا آن
- ۳- تصویب بودجه دولتی جمهوری د مکرراتیک افغانستان و گزارش های مبنی

بر اجراء آن

۴- تشکیل هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری د مکرراتیک افغانستان شورای وزیران (حکومت) جمهوری افغانستان ستره محکمه جمهوری د مکرراتیک افغانستان و تعیین لویخارنوال جمهوری د مکرراتیک افغانستان

۵- تشکیل و انحلال وزارتخانه ها تعیین، تبدیل و عزل اعضای شورای وزیران

۶- تصویب مشی اساسی سیاست داخلی و خارجی جمهوری د مکرراتیک افغانستان و تصویب پروگرام فعالیت های حکومت

۷- اعلام ریفرندم، (رای گیری عمومی مردم)

۸- اعلام انتخابات لویه جرگه (شورای عالی) جمهوری د مکرراتیک افغانستان

۹- اعلان حرب در صورتیکه جمهوری د مکرراتیک افغانستان مورد تجاوز قرار گیرد و اعلان متارکه

۱۰- تصویب و الغای قرارداد های بین المللی جمهوری د مکرراتیک افغانستان مطابق احکام قانون

۱۱- اجازه نشر پول

۱۲- تشکیل کمیسیون های اختصاصی در موارد لازم

۱۳- اتخاذ تصمیم در باره سایر موضوعاتیکه تصویب شورای انقلابی را ایجاب نماید

ماده سی و هشتم :

شورای انقلابی سال در مرتبه دوره اجلاس خود را دایر می کند، دوره اول اجلاس شورای انقلابی در ماه سنبله و دوره دوم آن در ماه حوت دایر می گردد

دوره اجلاس فوق العاده شورای انقلابی به ابتکار هیئت رئیسه شورای انقلابی یا بر اساس پیشنهاد حداقل یک ثلث اعضای شورای انقلابی دایر می گردد

شورای انقلابی از بین اعضای خود رئیس شورای انقلابی، معاون و یی معاونان رئیس شورای انقلابی را انتخاب می کند

ماده سی و نهم :

جلسات شورای انقلابی با حضور حداقل دو ثلث اعضای آن دایر می گردد

جلسات شورای انقلابی به صورت علنی دایر می گردد مگر اینکه منافع دولت سری بودن آنرا ایجاب نماید

ماده چهلم :

تصویب قوانین، فرامین و سایر تصاویر شورای انقلابی به اکثریت آرای اعضا صورت می گیرد

قوانین و فرامین بعد از نشر در جریده رسمی نافذ می گردد مگر اینکه در متن قانون طور دیگری تصریح گردیده باشد

قوانین و فرامین شورای انقلابی به زبانهای پشتو دری نشر می شود و می توان آنها را به سایر زبانهای خلق های افغانستان نشر کرد

ماده چهلم و یکم :

شورای انقلابی جمهوری د مکرراتیک افغانستان طرز العمل فعالیت های

شورای انقلابی و هیئت رئیسه آن را تنظیم می کند

ماده چهل و دوم :

شورای انقلابی از جمله اعضای خود هیئت رئیسه شورای انقلابی را تشکیل می دهد

هیئت رئیسه متشکل است از :

رئیس شورای انقلابی به حیث صدر هیئت رئیسه، معاون و با معاونان صدر هیئت رئیسه، منشی و اعضا

هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری د مکرراتیک افغانستان ارگان دایم فعال شورای انقلابی می باشد

ماده چهل و سوم :

هیئت رئیسه شورای انقلابی دارای صلاحیت های ذیل می باشد :

اول - تعیین تاریخ انعقاد اجلاس سیه عادی و فوق العاده شورای انقلابی

دوم - تفسیر قوانین، تعمیم ابتکارا قانون گذاری و در صورت ضرورت بر گذاری مباحثات عمومی مردم پیرامون مسودات قوانین

سوم - کنترل رعایت قوانین و فرامین در اجراءات اورگان های دولتی

چهارم - تشکیل، تغییر و تعدیل اسم و ساحه ولایات، شهرها، ولسوالی ها و علاقه داریها

پنجم - تعیین و اعطای نشان ها و مدال ها مطابق به احکام قانون

ششم - عفو و تخفیف مجازات

هفتم - منظوری تعیین تبدیل، عزل تقاعد و استعفا قضات، صاحب منصبان قوای مسلح و مامورین مطابق به احکام قانون

هشتم - تعیین القاب نظامی، رتب سیاسی و اعطای آن مطابق به احکام قانون

نهم - منظوری تعیین، تبدیل و عزل نمایندگان سیاسی و دائمی جمهوری د مکرراتیک افغانستان در دول خارجه و در سازمان های بین المللی

اجازه افتتاح نمایندگی های سیاسی دول متحابه در کشور

دهم - اعلام حالات نظامی اضطراری و سفر بری

یازدهم - حل مسائل مربوطه به تابعیت و اعطای حق پناهندگی برای خارجیان مطابق قانون

دوازدهم - اجرای سایر وظایف مطابق به احکام قانون

ماده چهل و چهارم :

تمام صلاحیت های شورای انقلابی در خلال مدت بین دوره های اجلاس سیه آن به هیئت رئیسه انتقال مییابد

ماده چهل و پنجم :

تا تعیین یا انتخاب صدراعظم رئیس شورای انقلابی در عین زمان صدراعظم جمهوری د مکرراتیک افغانستان استان می باشد

رئیس شورای انقلابی دارای صلاحیت های ذیل می باشد :

اول - رهبری فعالیت های شورای انقلابی، هیئت رئیسه و شورای وزیران

دوم - قیادت قوای مسلح

سوم - قبول اعتماد نامه های سران نمایندگان دول خارجی

چهارم - توشیح قوانین، فرامین، تصاویر و سایر اسناد شورای انقلابی

بقیه در صفحه مقابل

هیأت رئیسه و شورای وزیران پنجم - سایر صلاحیت های مندرج قانون

فصل پنجم

شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان

ماده ۴۶ - چهل و ششم: شورای وزیران (حکومت) جمهوری دموکراتیک افغانستان عالیترین اورگان اجراییی قدرت دولت بوده مرکب است از صد راعظم ووزرا

شورای وزیران در اجراءات خود نزد شورای انقلابی در خلال مدت بیین دوره های اجلاسیه آن نزد هیات رئیسه مسئول میباشد

ماده ۴۷ - چهل و هفتم: شورای وزیران دارای صلاحیت های ذیل میباشد

اول - تعمیم سیاست داخلی و خارجی دوم - تقدیم طرح قوانین جهت بررسی و تصویب به شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاسیه شورای انقلابی به هیئت رئیسه

سوم - تصویب مقرر و اساسنامه چهارم - سازماندهی امور انکشاف اقتصاد ملی طرح و پیش نهاد پلان های انکشاف اقتصاد و اجتماعی و بودجه

دولتی و گزارش های تطبیق آن جهت منظوری شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاسیه شورای انقلابی به هیئت رئیسه

پنجم - رهبری و مراقبت فعالیت های وزارت خانه ها

ششم - رهبری و مراقبت فعالیت های اورگان های اجراییی محلی

هفتم - اتخاذ تدابیر جهت تأمین امنیت نظم و آسایش اجتماعی و حفظ حقوق آزادی های اتباع

هشتم - رهبری امور فاعی کشور و تنظیم قوای مسلح

نهم - رهبری روابط خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان به شمول انجام مذاکرات و عقد قرارداد های بین المللی

د رحد و صلاحیت دهم - معاونیت و مساعدت بجه جمعیت العلماء دینی در پیشبرد وظایف مربوط یازدهم - سایر صلاحیت های مندرج قانون

ماده ۴۸ - چهل و هشتم: تعمیم تصویب و سایر اسناد شورای وزیران توسط اورگانها، مؤسسات و اتباع در رسا سر قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان حتی میباشد

ماده ۴۹ - چهل و نهم: تشکیل صلاحیت و طرز فعالیت ادارات مرکزی و محلی توسط قانون تنظیم میگردد

ماده ۵۰ - پنجاهم: شورای وزیران در رسا وزارت خانه های جمهوری دموکراتیک افغانستان وزراء قرار دارند وزراء فعالیت خود را مطابق به قانون انجام میدهند وزراء در پیشبرد امور وزارت و انکشاف ساحات مربوط مسئولیت فردی دارند

فصل ششم

اورگانهای محلی، قدرت دولت و اداره

ماده ۵۱ - پنجاه و یکم: در ولایات، شهرها ولسوالی ها، علاقه داری ها و قریه ها، جرگه های

محلی (شورا های محلی) به مقصد حل و فصل تمام مسائل مربوط محل تشکیل می گردد

طرز انتخاب دموکراتیک نمایندگان خلق در جرگه های محلی (شورا های محلی) و سایر مسائل مربوط به تشکیل صلاحیت ها، مسئولیت و فعالیت آنها توسط قوانین تنظیم میگردد

ماده ۵۲ - پنجاه و دوم: در ولایات شهرها ولسوالی ها و علاقه داری ها کمیته های محلی اجراییی قدرت دولتی تشکیل میگردد رئیس و اعضای کمیته محلی اجراییی مطابق به احکام قانون تعیین می شود

کمیته محلی اجراییی دارای صلاحیت های ذیل میباشد: ۱- تأمین رعایت تطبیق قوانین، فرامین، تصاویر و سایر اسناد و فیصله های اورگانهای مافوق

۲- تأمین و حفظ نظم، امنیت، حقوق و آزادی های اتباع

۳- اجرای پلان های دولتی انکشاف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۴- رهبری و هماهنگ ساختن فعالیت اورگانهای تحت اثر

۵- اتخاذ تصمیمات در حد و صلاحیت اورگانهای محلی قدرت دولتی و اداری اصول کار جمعی، ابتکار، جلب وسیع مردم، قانونیت و عدالت را مملک عمل قرار میدهند

فصل هفتم

نظام قضائی و فعالیت های محاکم

ماده ۵۳ - پنجاه و چهارم: قضاوت در جمهوری دموکراتیک افغانستان صرف توسعه محکمه بنه اساس اصول دموکراتیک صورت میگردد

قضاوت توسط ستره محکمه جمهوری دموکراتیک افغانستان، محاکم ولایات، شهرها، ولسوالی ها و همچنین توسط محاکم قوای مسلح صورت میگردد

جهت بررسی قضایای معین طبق احکام قانون محاکم اختصاصی تشکیل میشود

تشکیل صلاحیت و طرز تأسیس و فعالیت محاکم توسط قانون تنظیم میگردد

ماده ۵۴ - پنجاه و پنجم: ستره محکمه عالیترین اورگان قضائی جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد و مرکب است از رئیس، معاونان رئیس و اعضاء

ستره محکمه طبق احکام قانون بر فعالیت قضائی محاکم نظارت و شکل واحد تطبیق قوانین را توسط محاکم تأمین میکند

ستره محکمه از فعالیت های خود به شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاسیه شورای انقلابی به هیات رئیسه آن گزارش میدهد

قضات تمام محاکم توسط هیات رئیسه شورای انقلابی تعیین میشوند

ماده ۵۵ - پنجاه و ششم: رسیدگی به تمام قضایای مدنی و جزای از صلاحیت محاکم میباشد

قضات حین رسیدگی به قضایا مستقل و صرف تابع قانون میباشد رسیدگی قضایا و صدور احکام توسط محاکم به اساس اصول تساوی اتباع در برابر قانون و محکمه صورت میگردد

محکمه حین رسیدگی قضایا قوانین جمهوری دموکراتیک افغانستان را تطبیق میکند

در حالاتیکه قانون صراحت نداشته باشد محکمه قضایا را طبق احکام شریعت و اصول قانونیت دموکراتیک و عدالت حل و فصل مینماید

قضایا در تمام محاکم در جلسات علنی رسیدگی میشود حالاتیکه قضایا در جلسات سری رسیدگی میشود توسط قانون تعیین میگردد

ابلاغ حکم در تمام حالات باید علنی باشد

ماده ۵۶ - پنجاه و هفتم: رسیدگی و حل و فصل قضایا در محاکم به زبانهای پشتو و دری و بابه زبان اکثریت اهالی محل صورت میگردد اگر طرفین دعوی زبانی را که محاکمه توسط آن صورت میگردد نمانند حق آشنائی با مواد و اسناد و وسیله از طریق ترجمان و حق صحبت در محکمه به زبان مادری

شان تضمین میگردد

ماده ۵۷ - پنجاه و هشتم: تمام فیصله های محاکم بنام جمهوری دموکراتیک افغانستان صادر میگردد

فیصله های محاکم باید مدلل باشد تطبیق فیصله های تنفیذی قطعی محاکم حتی میباشد حکم اعدام بعد از منظوری هیات رئیسه شورای انقلابی تطبیق میگردد

فصل هشتم

خارنوالی

ماده ۵۸ - پنجاه و نهم: لوی خارنوال جمهوری دموکراتیک افغانستان رهبری فعالیت اورگانهای خارنوالی کشور را به دوش دارد

خارنوالی جمهوری دموکراتیک افغانستان سیستم واحد استوار بر اصل مرکزیت را تشکیل داده و مرکب از لوی خارنوالی و خارنوالی های ولایات، شهرها، ولسوالی ها و علاقه داری ها میباشد

خارنوالی اختصاصی طبق احکام قانون تشکیل شده میتواند اورگانهای خارنوالی در اجراءات خود مستقل از اورگانهای محلی بود و صرف تابع لوی خارنوال میباشد

ماده ۵۹ - شصتم: لوی خارنوال و خارنوالان از تطبیق و رعایت یکسان قوانین توسط تمام اورگانهای مرکزی و محلی قدرت دولتی و اداره، مؤسسات دولتی، مختلط و خصوصی، سازمانهای اجتماعی، مسئولین امور و اتباع نظارت میکنند

ماده ۶۰ - شصت و یکم: لوی خارنوال از فعالیت های خود نزد شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاسیه آن نزد هیات رئیسه شورای انقلابی مسئول است

لوی خارنوال بطور منظم از فعالیت های خود و قانونیت در کشور به شورای انقلابی

و هیات رئیسه گزارش میدهد ماده ۶۱ - شصت و دوم: تا زمان تعیین لوی خارنوال صلاحیت و وظایف او به وزیر عدلیه تعلق دارد

تشکیلات صلاحیت و طرز فعالیت اورگان های خارنوالی توسط قانون تنظیم میگردد

فصل نهم

نشان، بیرق، پایتخت

ماده ۶۲ - شصت و سوم: نشان دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارت است از تصویر محراب و منبر بر روی متن سبز، کتاب مفتوح، اشعه طلوع خورشید در زمین گزاری که توسط خوشه های گند مزین با فیه های سیاه، سرخ و سبزه احاطه شده و ستاره سرخ پنج گوشه که در قسمت فوقانی در بین دو انجام خوشه های گند مقرار دارد

ماده ۶۳ - شصت و چهارم: بیرق دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان دارای سه رنگ میباشد که به شکل نوارهای سیاه، سرخ و سبزه بالا به پائین افقا به اندازه های مساوی واقع شده است

در ربع قسمت بالای بیرق از چوبه آن نشان دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار دارد

نسبت عرض بیرق به طول آن یک بر دو است

ماده ۶۴ - شصت و پنجم: پایتخت جمهوری دموکراتیک افغانستان شهر کابل است

فصل دهم

احکام نهائی

ماده ۶۵ - شصت و ششم: تعدیل این اصول اساسی به اساس پیشنهاد هیات رئیسه و تصویب دو ثلث اعضاء شورای انقلابی صورت گرفت

می تواند ماده ۶۶ - شصت و هفتم: تمام اورگانهای مرکزی و محلی دولت تا زمان تشکیل اورگانهای جدید دولتی که در این اصول اساسی پیش بینی شده است طبق احکام این اصول اساسی و قوانین مربوطه اجراءات میکنند

ماده ۶۷ - شصت و هشتم: این اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق اعلامیه تاریخی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بانشر آن از اول ثور سال ۱۳۵۹ نافذ میگردد و تا زمان تصویب قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتبار دارد

فرامین، قوانین و سایر اسناد که قبل از انفاذ این اصول اساسی صادر گردیده در صورت عدم مغایرت با احکام این اصول اساسی مورد اعتبار است

پایان

توجه! برای تهیه شماره های قبلی سوگند و اتحاد مردم می توانید به دفتر نشر اتحاد مردم مراجعه کنید

هفته نامه اتحاد مردم ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده به آدین تهران، خیابان سزوار شماره ۱۸۹ تلفن ۶۴۴۳۸۴

بقیه: گشایش مجلس

برای تحقق آن بسیج شود. دیگران که راه بر رشد آیند نیروهای زنده و پویای جامعه بازماند.

انقلاب ایران - که هجوم پیروزمندان در وحدت عمل سراسری مردم به رهبری روحانیت متعهد صورت گرفت - به سبب ورود توده‌های میلیونی زحمتکشان شهروروستا به میدان مبارزه، گدشته از استقلال و آزادی که خواست همگانی بود، مطالبات اختصاصی محرومان و ستمدیدگان را تدریجا و در روندی طبیعی از آن خود کرد. وعده فرمائروائی بر زمین که به مستضعفان داده شد - اگرچه در حد یک شعار تهبیجی - پرچم بسیج زحمتکشان برای پاسداری از انقلاب و تداوم آن گشت. توده‌های محروم، بویژه پس از اشغال لانه جاسوسی، در مبارزه هر روز جدی تر و آگاهانه تر با امپریالیسم آمریکا، در نقش پایگاه اصلی انقلاب ظاهر شدند. راهیعمائی های کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان در سراسر کشور پشتهوانه استقامت در برابر تهدیدهای دشمن و مانع توفیق بند و بستهای سازشکارانه بود. این بد و نتردید نشانه تغییر آشکار در تناسب نیروهای جامعه ایران است. پذیرفتن این واقعیت از سوی دولت و مجلس و کوشش در تأمین خواستههای برحق مستضعفان و رفع محرومیت صد هاساله از آنان - همچنانکه امام در پیام خود فرموده اند - ضامن استحکام مبانی قدرت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. از آن گذشته، توده‌های مستضعف که اکثریت بسیار بزرگ جمعیت ایران را تشکیل میدهند، باید به نسبت نیروی بزرگ خویش در همه ارکان قدرت، یعنی دولت و مجلس و شوراهای کارخانه و ده و شهر و شهرستان و استان، سهمیم باشند و نمایندگانی از خود داشته باشند. این امر ممکن نیست، مگر آن که آنان در سازمانهای سیاسی و صنفی مستقل خود متشکل شوند و رهبرانی از خود پرورش دهند. آنوقت است که خواستههای بنیادی اکثریت میتواند در پیوند اندیشه و عمل به درستی بیان شود و به اجرا در آید.

از سوی دیگر، رهائی از وابستگی اقتصادی و تکنولوژیکی به کشورهای پیشرفته صنعتی که لازمه استقلال واقعی ایران است و در برنامه بازسازی و پیشرفت پس از انقلاب نمیتوان اولویتی برای آن قائل نشد، خود رشد سریع تولید و نیروهای مولد را در پی خواهد داشت. از این روطبعاید به انتظار تغییرات تازه و مد اومی در تناسب نیروهای جامعه ایران بود. در برنامه افزایش وزن و اهمیت سیاسی توده‌های کارگر و دهقان و روشنفکر خرد متغذراخلق میتواند برخی از شرکای امروزی قدرت را بدان وسوسه کند که راه رابرجنین تغییراتی ببندند. و این البته از محالات است. جامعه راه تکامل خود را خواهد پیمود. ولی اینگونه دخل و تصرف ذهنی در واقعیتی که به امروز دارد افراد نیست، گره خورد گیها و شواربهای تازه‌ای پدید خواهد آورد و برخورد هائی را موجب خواهد شد که در آن بی شک نیروهای زنده و پویای جامعه بازنده نخواهند بود.

د شواربهای کنونی که دولت و مجلس جمهوری اسلامی ایران در پیش دارند و باید از عهد حل آن برآیند، فهرست وار عبارت است از حق ملیت هابه اداره امور داخلی قلمرو خود در چارچوب ایران واحد و مستقل و برخورد از احکامیت ملی، تأمین کارومسکن و بهداشت و فرهنگ برای زحمتکشان، واگذاری زمین به دهقانان بی چیز و اعطای وامهای کشاورزی و انواع کمکها و خدمات دیگر، واقعیت بخشیدن به امر ملی کردن صنایع بزرگ و بانکها و تجارت خارجی و غیره، مبارزه با گرانی و نایابی کالاها مصرفی و خواربار، برنامه ریزی رشد جامع الاطراف اقتصاد ایران و شروع به اجرای آن، مقابله با تحریم بازرگانی آمریکا و ولتهای غربی اروپا و ژاپن در باره ایران، آماده نگه داشتن مردم برای دفاع از کشور و انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های ارتجاع و وابستگیان و جیره خواران امپریالیسم. ولی، بیرون از این همه مسئله رابطه کار و سرمایه، مالکیت های دولتی و تعاونی و خصوصی بروسائل تولید، لغویات تحدید تدریجی استثمار از هم اکنون و تادمتها مشکل اصلی جامعه ما و نقطه برخورد منافع قشرها و طبقات باقی خواهد ماند. و این چیزی نیست که در هر دوسوی خط فاصل کار و سرمایه بر آن واقف نباشند. اما، در شرایط کنونی هجوم نیروهای ضد انقلاب، در جایی که استقلال کشور و آزادی مردم باید به هر قیمت حفظ شود، عاجل ترین وظیفه روز تحکیم و سازمان دادن اتحاد نیروها برای دفاع از انقلاب و از تعامیت ایران انقلابی است. انقلاب ایران - در ستاورد های آن باید فرصت ریشه دواندن در عمل هر روز به نهاد ها و د ر خوی و منش و اعتقاد افراد مردم مهید ا کند. تنها در این صورت است که برای ارتقای انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی

بمناسبت یازدهم خرداد - اول ژوئن - روز جهانی کودک

کودکان فلسطین

کودک چهره آرزوی تو است. کودک ادامه هستی تو است. کودک توئی، منم، خود مائیم. - چند قدم و رتردد را از زندگی یک د و پله بالا تریوند بان تکامل، یعنی بر شانه‌های خود ما، اگر استوار بایستیم و بار امروز بر شاره فرد اهای بهتر برسانیم. کودک از ما بوجود آمده است، با او، ماییمان ناگفته ای بسته ایم که پرستار و خوارش باشیم. به پیمان خود وفا کنیم. به او، به این معمار آیند ه بشر، فرصت شدن، فرصت بالیدن و شکفتن بد هیم.

افسوس! برای بسیاری از کودکان، امروز جهان جایگاه امنی نیست. در دنیائی که جهان خواران امپریالیست، این سوداگران رنج و خون آدمی ساخته پرداخته اند، نوید بهروزی و تعالی انسان در میلیونها کودک به سرایی گریز یا مبدل شده است. جنگ و بیماری و گرسنگی، در به دری و بی پناهی، نصیب میلیونها کودک در سراسر جهان است. میلیونها کودک از فقر، از تلاش جانگناه برای یک لقمه نان، از کار بیش از فرسوزن از طاقت می پزمرند. درهای شادی و خنده و بازی بر آنها بسته میماند. دستی به نوازش بر سرشان کشیده نمیشود. دلسوزی و مهر و تفاهم نمی بینند. به کتاب و درس و آموزش دسترس ندارند. ول می گردند و - چه بسا به عمد - به انواع بدآموزی و انحراف کشانده میشوند. میتوان از کودکان قاره سیاه سخن گفت. می توان هم از کودکان کامبوجیا و هند و آمریکا را یاد کرد.

زیر آسمان میهن خود مانیز هستند کودکانی که داغ حرمان برتن وجان دارند. ولی در این میان کودک فلسطینی از سرشت اند و هبازتری رنج میبرد. از آوارگی کودک فلسطینی بیش از سی سال میگذرد. بیش از سی سال است که کودک فلسطینی در اردوگاههای لولود خواب شیرین کود کانه اش را سایه سقفی در پناه خود نمی گیرد. هوائی که نفس میکشد، دود باروت جنگ است. بیض زندگی اش در غرش هوا پیمها و ترکش بعب های اسرائیل، در سراسیمگی و اشک و فریاد خشم، در خون و ویرانی و کشتار، در رسوزش کینه است که میزند. رانده از خانه پدری و خوش هیچ جا خانه او نیست. هر جا که باشد جابر او تنگ است. هر جا که برود، با مرگ همسفر است. هر چهره عزیزش نقش جدائی نزدیک دارد. گرد اگرد او همد ر جنگ اند. و کودک فلسطینی سی سال و بیشتر است که میجنگد: برای بازیافتن هویت ملی خود، برای خاکی که در آن ریشه داشت، برای خانهای که غاصبان صهیونیست با دینامیت ویران کرده اند، برای آنکه در فلسطین آزاد کودک فلسطینی بتواند کودکی کند، بخندد، بدود، بازی کند، سرود بخواند.

و کودک فلسطینی از توبراد روخواه ایرانی، توده پیروزمند انقلابی که ساختن زندگی تازه ای آغاز کرد ه ای انتظار یاری دارد. به هر شکل، از هر راه و به هر انداز که در توان تو است برای رهائی کودکان فلسطین از مصائب آوارگی و جنگ و اشغال اسرائیل به نهضت رهائی بخش فلسطین کمک کن. جمعیت ایرانی هواداران صلح ۵۹/۳/۱۱

بقیه: با فعالتهای سندیکائی...

بدیهی است که نمی توان از نیروئی که چنین قدرتی را مجسم می سازد و از دیر باز موفق شده است، بخش مهمی از افراد را با خدعه و فریب در دام خود نگاه دارد، غافل ماند. بدون در نظر گرفتن این واقعیت دست زدن به هر عملی غیر ممکن است. این برداشت که چنین نیروئی هیچ است و یک تلنگر کافی است که از هم پیا شد، چیزی جز قهقیرد رکردن خطرناک نیست. غافل ماندن از مساله و باور به این که قدرت موهوم حقیری بدون توجه به واقعیت می تواند چنین مکانیسمی را متلاشی سازد و خود جانشین آن شود، چیزی جز نشناختن جامعه معاصر و در نیافتن نیازهای آن و درک نکردن آنچه که برای بقا و تحول آن لازم است، نیست. این به معنای خرده کاری اجتماعی و سیاسی است. از کسانی که به خرده کاری های فنی مشغولند معذرت می خواهم، منظور من آنها نیستند. آنها ادعای آن ندارند که تولید مدرن را عوض کنند، و ماشین های سحر آمیز هم بقیه در صفحه ۳

ایران به سطح بالا تر شرایط عینی و رونی و بیرونی جمع خواهد شد و تحول لازم با کمترین ضایعات صورت خواهد پذیرفت. محتوای کار و موصوبات نخستین مجلس شورای پس از انقلاب در این زمینه میتواند بسیار مؤثر باشد. امید داریم -

سرمایه داری و جهان در راه رشد

(قسمت سوم) ترجمه: الف. مسعود

مقایسه رشد صنعتی کشورهای سرمایه داری پیشرفته و کشور های در راه رشد در دوران پس از جنگ نشان میدهد: برخلاف کشاورزی که در میان شاخه های کلیدی اقتصاد هر دو گروه کشورها با آهنگ فوق العاده کند ی پیشرفت نموده، صنعت پویا ترین قلمرو تولید مادی آنها بود. دست از این رو، ناموزونی رشد اقتصادی آنها در این رشته با برجستگی ویژه ای نمایان میشود. چنانکه کمی بیش از ربع قرن (۱۹۷۸ - ۱۹۵۰) حجم تولید صنعتی (بقیمت ثابت ۱۹۷۰) در کشورهای گروه نخست ۳/۵ برابر بود. کشورهای گروه دوم ۶/۴ برابر افزایش یافته است. این امر نمایانگر افزایش وزن مخصوص کشورهای نوپا در مجموع تولید صنعتی اقتصاد جهانی سرمایه داری در دوران پس از جنگ است. در واقع این سهم نسبی تقریباً از ۹٪ آغاز دهه ۵۰ به ۱۱/۵٪ در اواسط دهه ۶۰ و ۱۵٪ نزدیک به پایان دهه ۷۰ ارتقاء یافته است. بحران اقتصادی جهان در سال ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ شدت در این روند تاثير گذاشت.

این نوع شاخصها بدون تردید پدیدها و گرایشهای بسیار پیچیده اقتصاد را پوشیده نگه میدارند. پدیدها و گرایشهایی که مشخصه مرحله کنونی بحران ساختار پیشین استعماری در توزیع صنعت در اقتصاد جهانی سرمایه داری جهانی است. این شاخصها همچنین اختلاف همواره شدید تر رشد صنعتی در درون هر یک از دو گروه کشورهای رامتورنگه میدارند. در عین حال این شاخصها مستلزم توجه ناگزیر به تعداد جمعیت و نرخ رشد آن است. موقعی که تعداد جمعیت را در نظر میگیریم، فاصله رشد صنعتی در نسبت های دیگر هنگامی کاهش می یابد که قدر مطلق تولید در نظر گرفته شود.

بنابراین، فاصله بین کشورهای سرمایه داری و کشورهای نوپا در دوران پس از جنگ چگونه تغییر یافته است؟ در مرز سالهای ۴۰ و ۵۰ حجم تولید سرانه صنعتی کشورهای گروه نخست ۲۵ تا ۲۶ برابر کشورهای گروه دوم بود. با جوا این، در رسده هه بعد، پویائی تولید صنعتی توده اصلی کشورهای عقب مانده صنعتی، کشاورزی و تولید کنند ه مواد اولیه تنها بطور محسوس از پویائی پیشرفت جمعیت تجا و زن نمود، بلکه از نرخ رشد تولید سرانه صنعتی بیشتر کشورهای سرمایه داری فراتر رفته است. در نتیجه، در دوره پس از جنگ گرایش به محدود شدن تدریجی شکاف بین دو گروه از کشورهای مورد بحث در زمینه حجم تولید سرانه صنعتی شروع شد. چنانکه در اواسط دهه ۶۰ نسبت بین آنها برای شاخص معین به ۱۸ به ۱ و در ۱۹۷۸ تقریباً به ۱۵٫۵ به ۱ پائین آمد.

روند هائی که در دوران پس از جنگ در قلمرو کشاورزی و صنعتی اقتصاد جهانی سرمایه داری جریان داشت تاثيرات متفاوتی در تناسب کلی تولید سرانه ناخالص ملی ایند و گروه از کشورها داشته است. این روندها در کشاورزی به توسعه شکاف اقتصادی و در صنعت به محدود شدن آن کمک کرده است. اما همانطور که نقش بخش کشاورزی در تولید کلی کشور های در راه رشد خیلی زیاد تر و نقش بخش صنعتی بطور محسوس خیلی کمتر از مراکز مهم سرمایه داری است، فاصله بین آنها در آنچه که مربوط به خروج تولید کلی سرانه در شاخه های کلیدی تولید مادی (کشاورزی، صنعتی، ساختمان) است، همچنان افزایش می یابد. چنانکه در پایان دهه هفتاد به نسبت ۱۱ به ۱ در برابر ۸ به ۱ نخستین سالهای پس از جنگ است.

در زمینه صنعت، کشورهای در راه رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از رشد کیفی قابل ملاحظه ای در محور آثار عقب ماندگی در پیرینه سال صنعتی برخوردار نبود ه اند. در بسیاری از این کشورها مبارزه در راه ایجاد پایه صنعتی برای اقتصاد ملی هنوز مرحله ابتدائی را طی می کند. علی رغم کاهش شکاف در تولید سرانه صنعتی، این کشورها هنوز کمتر از ۷٪ متوسط کشورهای پیشرفته سرمایه داری تولید می کنند. علاوه بر این، پیشرفته ترین رشته های تولیدی، که در آن آخرین دستاوردهای علمی و فنی مورد استفاده قرار می گیرد، در کشورهای پیشرفته سرمایه داری متمرکز است. این امر در پویائی بهره روری کار در قلمرو صنعت هر دو گروه کشورها به روشنی منعکس است. مثلاً در دهه های ۷۰ - ۶۰ آهنگ رشد متوسط سالانه بهره وری کار در مراکز اقتصادی سرمایه داری تقریباً ۲٫۶ برابر کشورهای در راه رشد بود. در نتیجه "شکاف تکنولوژیک" که امپریالیسم از آن بعنوان یک هدف استراتژیک نو استعماری در کشورهای رهائی یافته استفاده می کند، پیوسته عمیق تر میشود. بقیه در صفحه ۵